

درس ششم : پرورده ی عشق	۱
واژگان	۱
دستور	۳
آرایه های ادبی	۵
قرابت معنایی	۶
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۸
تاریخ ادبیات	۱۱
درس هفتم : باران محبت	۱۱
واژگان	۱۱
دستور	۱۴
آرایه های ادبی	۱۵
قرابت معنایی	۱۸
معنا و مفهوم ابیات و عبارات	۱۸
تاریخ ادبیات	۲۲
شعرخوانی: آفتاب حُسن	۲۳

این پک به صورت کامل برای تمام دروس تجربی با یک قیمت حداقلی که تمام افراد توانایی پرداخت آن را دارند منتشر شده بنابراین استفاده رایگان از آن مورد رضایت ما نخواهد بود جهت تهیه روی همین متن قرمز لمس یا کلیک کنید

فصل سوم : ادبیات غنایی

درس ششم : پرورده ی عشق واژگان

۱ در عبارت زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) «برادر که نه در بند خویش است نه برادر نه خویش است.»
ب) «درختان را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

۲ معادل واژه‌های زیر را در درس «پرورده عشق» بیابید.

الف) کوشش

ب) مصلحت‌اندیشی

ج) آفرینش

د) پرورش یافته

۳ کلمات ستون اول را به مترادف آنها در ستون دوم وصل کنید.

الف) درفش	الف) جهد
ب) هنگام	ب) خویشان
ج) رنج بردن	ج) جمله
د) اقوام	د) بیرق
هـ) سراسر	هـ) موسم

۴ در بیت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«چون رایت عشق آن جهان گیر شد چون مه لیلی آسمان گیر»

۵ در ابیات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) حاجت‌گه جمله جهان اوست
ب) بیچارگی ورا چو دیدند
محراب زمین و آسمان اوست
در چاره‌گری زبان کشیدند

۶ در بیت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«چون موسم حج رسید برخاست
اشتر طلبید و محمل آراست»

۷ در بیت زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

«پرورده عشق شد سرشتم
جز عشق مباد سرنوشت»

۸ در بیت زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«فرزند عزیز را به صد جهد
بنشانند چو ماه در یکی مهد»

۹ در ابیات زیر معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) دریاب که مبتلای عشقم
ب) کز عشق به غایتی رسانم
آزاد کن از بلای عشقم
کاو ماند اگرچه من نمانم

۱۰ در بیت زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«گو یا رب ازین گزاف کاری توفیق دهم به رستگاری»

۱۱ معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف برداشته دل ز کار او بخت

ب خویشان همه در نیاز با او

پ هر روز خنیده نام تر گشت

ت گفتند به اتفاق، یک سر

ث حاجت گه جمله جهان اوست

ج توفیق دهم به رستگاری

۱۲ معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف

گفتند به اتفاق یک سر

ب در حلقه زلف کعبه زد دست

۱۳ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

جهد بر توسل و بر خدا توفیق

خنیده به گیتی به مهر و وفا

۱۴ غلط‌های املائی موجود در ابیات زیر را مشخص کرده و درست آنها را بنویسید.

الف

یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش

ب بگزار که دل حل بکند مسئله‌ها را

از سر تعمیر دل بگزر که معماران عشق

پ روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

عشق بازی، کار بیکاران بُود

ت عاغلش با کار بیکاران چه کار؟

گفت: «ای پسر، این نه جای بازی است»

ث بشتاب که جای چارسازی است»

دریاب که مبطلاى عشقم

ج آزاد کن از بلای عشقم

مجنون چو هدیت عشق بشنید

ج اول بگریست، پس بخندید

از جای چو مار حلقه برجست

۱۵ در هر عبارت املاى یک واژه نادرست است؛ شکل صحیح آن را بنویسید.

الف

چون موسم حج رسید، برخاست

۱۶ در ابیات زیر دو واژه نادرستی املائی دارند. آنها را تصحیح کنید. (مواردی که بدون غلط هستند را مشخص کنید).

الف حاجت گه جمله جهان اوست

ب فرزند عزیز را به صد جهد

پ می داشت پدر به سوی او گوش

ت دانست که دل اسیر دارد

دستور

- ۱۷) مفرد هریک از جمع‌های زیر را بنویسید.
«خصال - مجانین - انوار - ملل - علوم - تواریخ - خصایل»
- ۱۸) هریک از مصراع‌های زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.
الف) درماند پدر به کار او سخت
ب) برداشته دل ز کار او بخت
- ۱۹) اجزای بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.
«گفتند به اتفاق یک‌سر کز کعبه گشاده گردد این در»
- ۲۰) در کدام یک از ابیات زیر، جمله مرکب دیده می‌شود؟
۱- فرزند عزیز را به صد جهد بنشانند چو ماه در یکی مهد
۲- مجنون چو حدیث عشق بشنید اول بگریست، پس بخندید
- ۲۱) بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.
«گفت: ای پسر این نه جای بازی است بشتاب که جای چاره‌سازی است»
- ۲۲) با توجه به بیت «آمد سوی کعبه سینه پر جوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش» به سوالات پاسخ دهید.
الف) در مصراع اول «سینه پر جوش» چه نقش دستوری دارد؟
ب) مصراع دوم را به شیوه معیار مرتب کنید.
- ۲۳) کدام یک از ابیات زیر به شیوه بلاغی است؟
الف) بیچارگی ورا چو دیدند در چاره‌گری زبان کشیدند
ب) پرورده عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنوشتم
- ۲۴) در مصراع «طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی» از شیوه بلاغی استفاده شده است یا عادی؟
- ۲۵) بیت زیر براساس شیوه بلاغی است یا عادی؟
«نشسته است به جانم همیشه تا هستم غمش اصیل‌تر از یک نیاز روحانی»
- ۲۶) در عبارت «الهی ترسانم از بدی خود» از شیوه بلاغی استفاده شده است یا عادی؟
- ۲۷) بیت «چون رایت عشق آن جهانگیر شد چو مه لیلی آسمان‌گیر» را مطابق زبان معیار مرتب کنید.
- ۲۸) جمله زیر براساس شیوه بلاغی است یا عادی؟
«بزرگ‌مردی بود خواجه نظام‌الملک.»
- ۲۹) در بیت زیر از شیوه بلاغی استفاده شده است یا عادی؟
«دریاب کنون که نعمت هست به دست کاین دولت و ملک می‌رود دست به دست»
- ۳۰) مصراع دوم بیت «فرزند عزیز را به صد جهد بنشانند چو ماه در یکی مهد» را مطابق زبان معیار مرتب کنید.
- ۳۱) با توجه به بیت زیر در مصراع اول «قید» را پیدا کنید.
«گفتند به اتفاق یک‌سر کز کعبه گشاده گردد این در»
- ۳۲) با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.
الف) دریاب که مبتلای عشقم آزاد کن از بلای عشقم
ب) بیت چند جمله است؟
پ) نقش ضمیر «م» را در مصراع اول و دوم بنویسید.

ت دو ترکیب اضافی بیابید.

ث جمله دوم چند جزء دارد؟ مشخص کنید.

۳۳ ابیات زیر را مطابق با نوشتار معیار (عادی) مرتب کنید.

الف

می گفت، گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در

ب

برداشته دل ز کار او بخت / درماند پدر به کار او سخت

پ

آمد سوی کعبه سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش

۳۴ هر یک از بیت‌های زیر را از نظر شیوه بلاغی و عادی مشخص کنید.

الف

چون رایت عشق آن جهان گیر / شد چون مه لیلی آسمان گیر

ب

هر روز خنیده نام‌تر گشت / در شیفگی تمام‌تر گشت

پ

بیچاری و را چو دیدند / در چاره‌گری زبان کشیدند

ت

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

۳۵ نقش ضمیرهای پیوسته را در هر یک از موارد زیر بنویسید.

الف

دگر روز باز اتفاق افتاد / که روزی رسان قوت روزش بداد

ب

در خواب دوش، پیری در کوی عشق دیدم / با دست اشارتم کرد که عزم سوی ما کن

پ

کدام دانه فرو رفت در زمین که نُرست؟ / چرا به دانه انسانیت این گمان باشد

ت

گو، یا رب از این گزاف کاری / توفیق دهم به رستگاری

ث

کز عشق به غایتی رسانم / کاو ماند اگرچه من نمانم

ج

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

۳۶ نقش دستوری واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف

خویشان همه در نیاز با او / هر یک شده چاره‌ساز با او

ب

بیچاری و را چو دیدند / در چاره‌گری زبان کشیدند

۳۷ با توجه به بیت «دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم» به سوالات پاسخ دهید.

الف

نقش دستوری «م» در مصراع دوم است.

ب جمله هسته (پایه) را مشخص کنید.

۳۸ در عبارت زیر:

خویشان همه در نیاز با او هر یک شده چاره‌ساز با او

الف نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

ب نوع وابسته را در گروه نهادی «هر یک» تعیین کنید.

۳۹ در کدام گزینه قسمت مشخص شده «ضمیر» نیست؟

۱) برداشته دل ز کار او بخت

۲) خویشان همه در نیاز با او

۳) دریاب که مبتلای عشقم

۴) آزاد کن از بلای عشقم

۴۰ در بیت‌های زیر نقش «م» را بررسی کنید.

الف) دریاب که مبتلای عشقم آزاد کن از بلای عشقم

ب) پرورده عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنوشتم

۴۱ کاربرد حرف «به» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف. از عمر من آنچه هست بر جای بستان و به عمر لیلی افزای

ب. یا رب، به خدایی خدایت وانگه به کمال پادشاییت

آرایه‌های ادبی

۴۲ در بیت زیر، شاعر، چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره گرفته است؟

آمد سوی کعبه، سینه پر جوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش

۴۳ با توجه به بیت «از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول رنگ این ویرانه، ویران ریختند» به سؤالات پاسخ دهید.

الف) در مصراع اول «مجاز» را پیدا کنید. ب) در مصراع دوم «کنایه» را مشخص سازید.

۴۴ در بیت زیر آرایه کنایه را بیابید.

«چو موسم حج رسید برخاست اشتر طلبید و محمل آراست»

۴۵ در بیت زیر آرایه کنایه را بیابید.

بیچارگی ورا چو دیدند در چاره‌گری زبان کشیدند»

۴۶ معنای کنایه‌های زیر را بنویسید.

الف جهانگیر شدن:

ب آسمان گیر شدن:

پ زبان کشیدن:

ت اسیر بودن دل:

۴۷ در ابیات زیر «کنایه‌ها» را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

الف

برداشتن دل ز کار او بخت درماند پدر به کار او سخت

ب

بیچارگی ورا چو دیدند در چاره‌گری زبان کشیدند

پ

گفتند به اتفاق یک‌سر کز کعبه گشاده گردد این در

۴۸ هریک از بیت‌های زیر را از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

چون رایت عشق آن جهان‌گیر
برداشته دل ز کار او، بخت
شد چون مه لیلی آسمان‌گیر
درماند پدر به کار او سخت

۴۹ در بیت زیر آرایه‌های «تناقض و کنایه» را بیابید.

«عشق‌بازی کار بیکاران بود
عقلش با کار بیکاران چه کار؟»

۵۰ در بیت زیر آرایه‌های «تشبیه و جناس ناهمسان» را بیابید.

«گرچه ز شراب عشق مستم
عاشق‌تر ازین کنم که هستم»

۵۱ در بیت زیر آرایه‌های مورد نظر را پیدا کنید.

«می‌گفت گرفته حلقه در بر
کامروز منم چو حلقه بر در»

الف) جناس همسان

ب) تشبیه

ج) جناس ناهمسان

۵۲ در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، تشخیص، استعاره و تشبیه» را پیدا کنید.

«از جای چو مار حلقه برجست
در حلقه زلف کعبه زد دست»

۵۳ در بیت زیر آرایه‌های «تشبیه و جناس» را پیدا کنید.

«فرزند عزیز را به صد جهد
بنشانند چو ماه در یکی مهد»

۵۴ در بیت «آمد سوی کعبه سینه پر جوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش» آرایه‌های خواسته‌شده را بیابید.

الف) کنایه ب) جناس ج) مجاز

۵۵ در بیت «حاجت‌گه جمله جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست» آرایه‌های «واج‌آرایی و مجاز» را پیدا کنید.

۵۶ در بیت زیر آرایه‌های «جناس ناهمسان و کنایه» را پیدا کنید.

برداشته دل ز کار او بخت
درماند پدر به کار او سخت

۵۷ در بیت زیر آرایه‌های «جناس ناهمسان، کنایه و استعاره» را بیابید.

«گفتند به اتفاق یک‌سر
کز کعبه گشاده گردد این در»

۵۸ در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، تشبیه، استعاره و جناس» را پیدا کنید.

«چون رایت عشق آن جهان‌گیر
شد چون مه لیلی آسمان‌گیر»

۵۹ با توجه به قسمت‌های مشخص‌شده، آرایه‌های «مجاز، استعاره، جناس و تشبیه» را در ابیات زیر نشان دهید.

الف

چون رایت عشق آن جهانگیر
شد چون مه لیلی آسمان‌گیر

ب

چون موسم حج رسید برخاست
اشتر طلبید و محمل آراست

پ

گرچه ز شراب عشق مستم
عاشق‌تر از این کنم که هستم

قرابت معنایی

۶۰ مفهوم بیت زیر را با نگرش خویشان مجنون و چاره‌سازی آنها مقایسه کنید.

یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش
بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را «محمدعلی بهمنی»

۶۱ بر مبنای درس «پرورده عشق» و با توجه به بیت‌های زیر، تحلیلی از سیر فکری پدر مجنون ارائه دهید.

عشق‌بازی، کار بیکاران بود
عقلش با کار بیکاران چه کار؟ «نعمت‌الله ولی»

از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق
روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند «بیدل»

۶۲ با توجه به ابیات زیر به سوالات پاسخ دهید.

الف) از جای چو مار حلقه برجست
ب) در حلقه زلف کعبه زد دست

الف) آرایه تشخیص را بیابید.

ب) یک مفهوم کنایی بیابید.

۶۳ بیت «گویند ز عشق کن جدایی این نیست طریق آشنایی» چه ارتباط معنایی با بیت زیر دارد؟

الف) سعدی نظر از رویت کوتاه نکند هرگز
ب) و روی بگردانی در دامت آویزد

۶۴ ابیات زیر چه ارتباط معنایی با یکدیگر دارند؟

الف) گویند ز عشق کن جدایی
ب) این نیست طریق آشنایی

الف) بگفت از دل جدا کن عشق شیرین
ب) بگفتا چون زیم بی جان شیرین

۶۵ رابطه معنایی ابیات زیر را با یکدیگر بررسی کنید.

الف) منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن
ب) منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن

الف) چون رایت عشق آن جهان گیر
ب) شد چو مه لیلی آسمان گیر

۶۶ ابیات چه ارتباط معنایی با یکدیگر دارند؟

الف) برداشته دل ز کار او بخت
ب) درماند پدر به کار او سخت

الف) بختی نه که با دوست درآمیزم من
ب) عقلی نه که از عشق پیرهیزم من

۶۷ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

الف) بیچارگی ورا چو دیدند
ب) در چاره‌گری زبان کشیدند

الف) مرجع ضمیر «او» چه کسی است؟

ب) یک مفهوم کنایی بیابید.

۶۸ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

الف) خویشان همه در نیاز با او
ب) هریک شده چاره‌ساز با او

الف) مرجع ضمیر «او» در هر مصراع چه کسی است؟

ب) شاعر برای خویشان و اقوام چه صفتی را ذکر کرده است؟

۶۹ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

الف) برداشته دل ز کار او بخت
ب) درماند پدر به کار او سخت

الف) مرجع ضمیر «او» چه کسی است؟

ب) مفهوم کلی بیت چیست؟

۷۰ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

الف) چون رایت عشق آن جهان گیر
ب) شد چون مه لیلی آسمان گیر

الف) منظور از «جهان گیر» چه کسی است؟

ب) مفهوم بیت به کدام ویژگی عشق اشاره می‌کند؟

۷۱ مفهوم مقابل بیت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟ توضیح دهید.

- «یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش
(۱) برداشته دل ز کار او بخت
(۲) بیچارگی ورا چو دیدند
(۳) آمد سوی کعبه سینه پر جوش
(۴) گو یا رب از این گزاف کاری

۷۲ ارتباط مفهومی ابیات زیر را توضیح دهید.

- الف) عشق‌بازی، کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟
ب) گو یا رب از این گزاف کاری / توفیق دهم به رستگاری

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۷۳ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

- حاجت‌گه جمله جهان اوست / محراب زمین و آسمان اوست
بیت زیر را معنا کنید.
«آمد سوی کعبه سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش»

۷۵ بیت «گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق‌تر ازین کنم که هستم» برگرفته از منظومه داستانی «لیلی و مجنون» است؛ قالب شعری آن است.

۷۶ کدام گزینه بیانگر سیر فکری پدر مجنون در موضوع عشق مجنون به لیلی نیست؟

- الف) عشق‌بازی کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟
ب) دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم

۷۷ در بیت «گو یا رب از این گزاف کاری / توفیق دهم به رستگاری» مقصود شاعر از گزاف کاری چیست؟

۷۸ در بیت‌های هفدهم و بیستم، درس «پرورده عشق» کدام ویژگی‌های «مجنون» بارز است؟

- گویند ز عشق کن جدایی / این نیست طریق آشنایی
کز عشق به غایتی رسانم / کاو ماند اگرچه من نمانم

۷۹ شاعران، در سرودن منظومه‌های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می‌گیرند؛ مهم‌ترین دلیل آن را بنویسید.

۸۰ بیت زیر را معنا کنید.

- «دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم»

۸۱ با توجه به بیت زیر به سوالات پاسخ دهید.

- «گفتند به اتفاق یک‌سر / کز کعبه گشاه گردد این در»

الف) منظور از «در» چیست؟

ب) نهاد فعل «گفتند» چه کسانی هستند؟

۸۲ مفهوم کلی بیت «یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش / بگذار که دل حل بکند مسئله‌ها را» چیست؟

۸۳ مفهوم کلی عبارت زیر چیست؟

«مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان‌که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.»

۸۴ شاعر در کدام بیت آرزو می‌کند که زندگی معشوق بر زندگی او ترجیح داده شود؟

- الف) گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق‌تر ازین کنم که هستم
ب) کز عشق به غایتی رسانم / کاو ماند اگرچه من نمانم

۸۵ مفهوم کلی ابیات زیر را با یکدیگر مقایسه کنید.

«دریاب که مبتلای عشقم
گو یا رب ازین گراف کاری
آزاد کن از بلای عشقم»
توفیق دهم به رستگاری»

۸۶ مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید.

«گرچه ز شراب عشق مستم
عاشق تر ازین کنم که هستم»

۸۷ بیت زیر را معنا کنید.

«از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق
روز اول رنگ این ویرانه، ویران ریختند»

۸۸ بیت زیر را به نثر روان برگردانید.

«گفتند به اتفاق یک سر
کز کعبه گشاده گردد این در»

۸۹ بیت زیر را به نثر روان برگردانید.

«بیچارگی ورا چو دیدند
در چاره گری زبان کشیدند»

۹۰ بیت زیر را به نثر روان برگردانید.

«چون رایت عشق آن جهان گیر
شد چون مه لیلی آسمان گیر»

۹۱ قافیه را در بیت‌های زیر نشان دهید.

الف

خویشان همه در نیاز با او
هریک شده چاره‌ساز با او

ب

فرزند عزیز را به صد جهد
بنشانند چو ماه در یکی مهد

پ

دریاب که مبتلای عشقم
آزاد کن از بلای عشقم

۹۲ مفهوم ابیات زیر را بنویسید.

الف

خویشان همه در نیاز با او
هر یک شده چاره‌ساز با او

ب

حاجت گه جمله جهان اوست
محراب زمین و آسمان اوست

پ

دریاب که مبتلای عشقم
آزاد کن از بلای عشقم

ت

می‌گفت، گرفته حلقه در بر
کامروز کن از بلای عشقم

۹۳ ابیات و عبارات زیر را معنا کنید.

الف

از جای چو مار حلقه برجست
در حلقه زلف کعبه زد دست

ب

گویند ز عشق کن جدایی
این نیست طریق آشنایی

پ

پرورده عشق شد سرشتم
جز عشق مباد سرنوشتم

ت

کز عشق به غایتی رسانم
کاو ماند اگرچه من نمانم

ث

می‌داشت پدر به سوی او گوش

کاین قصه شنید، گشت خاموش

ج

از عمر من آنچه هست بر جای

بستان و به عمر لیلی افزای

چ

گو، یا رب، از ای گزاف کاری

توفیق دهم به رستگاری

ح

چون موسم حج رسید، برخاست

اشتر طلبید و محمل آراست

خ

گفت: «ای پسر، این نه جای بازی است

بشتاب که جای چاره‌سازی است

د

هر روز خنیده‌نام‌تر گشت

در شیفتگی تمام‌تر گشت

۹۴ عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف

برداشته دل ز کار او بخت

درماند پدر به کار او سخت

ب

دانست که دل اسیر دارد

دردی نه دواپذیر دارد

پ فلان پیر از کوه لُکام تو را سلام گفت.

ت بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.

۹۵ درستی یا نادرستی مفهوم مقابل هر بیت را بررسی کنید.

الف

از عمر من آنچه هست بر جای

بستان و به عمر لیلی افزای (از خودگذشتگی مجنون)

ب

دانست که دل اسیر دارد

دردی نه دواپذیر دارد (درمان درد عشق را یافتن)

۹۶ اشعار و عبارات زیر را به نثر ساده و روان برگردانید.

الف

هر روز خنیده‌نام‌تر گشت.

ب عشق، حالی دوا سبه می‌آمد.

۹۷ گوینده هر عبارت از کدام ویژگی اخلاقی برخوردار است؟

الف

گویند ز عشق کن جدایی

این نیست طریق آشنایی

۹۸ معنی عبارات و ابیات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف

عشق دوا سبه می‌آمد.

ب من قُلا کردم.

۹۹ در بیت زیر منظور از «چو حلقه بر در بودن» چیست؟

می‌گفت گرفته حلقه در بر

کامروز منم چو حلقه بر در،

۱۰۰ در بیت

چون رایت عشق آن جهانگیر

شد چون مه لیلی آسمان‌گیر

شاعر کدام صفت مجنون و کدام ویژگی لیلی را بیان کرده است؟

۱۰۱) مفهوم کلی عبارت زیر را بنویسید.

«وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد. مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.»

۱۰۲) قالب شعری «پرورده عشق» چیست؟

تاریخ ادبیات

۱۰۳) داستان لیلی و مجنون در چه قالبی و سروده کدام شاعر پارسی گوی است؟

۱۰۴) نویسنده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

الف) لیلی و مجنون:

ب) تذکره الاولیا:

۱۰۵) سراینده هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف)

یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش بگذار که دل حل بکند مسئله ها را

ب)

از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

پ)

عشق بازی، کار بیکاران بود عاقلش با کار بیکاران چه کار؟

۱۰۶) درستی یا نادرستی گزاره های زیر را تعیین کنید.

الف) لیلی و مجنون اثری دیگر از صاحب کتاب بهارستان می باشد.

واژگان

۱۰۷) معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) دل را بر مثال کوشکی یافت.

۱۰۸) معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

• تا در تحصیل فضل و ادب، رغبتی صادق نباشد، این منزلت نتوان یافت. «کلیله و دمنه»

• ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست / در حضرت کریم، تمنا چه حاجت است «حافظ»

• نانم افزود و آبرویم کاست / بینوایی به از مذلت خواست «سعدی»

۱۰۹) در عبارات زیر معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) برو؛ اگر به طوع و رغبت نیاید، به اکراه و اجبار، برگیر و بیاور.

ب) آن خاک را میان مگه و طائف، فرو کرد. عشق، حالی دواسبه می آمد.

۱۱۰) واژه های مشخص شده را معنا کنید.

الف) و با این همه، حضرت غنا، دیگری را به جای او نخواند و این سرّ با دیگری در میان نهاد.

ب) ابلیس پر تلبیس یک باری گرد او طواف می کرد.

۱۱۱) در هریک از عبارات زیر واژه های مشخص شده را معنا کنید.

الف) دل را بر مثال کوشکی یافت.

ب) ابلیس گرد قالب آدم بر آمد.

ج) گوهر معرفت را بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی آن گوهر نیافته.

۱۱۲) در عبارات زیر معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت به سر ملائکه فرو می گفت: «أَنْتِ أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»

ب) حق تعالی چون اصناف موجودات می آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد.

۱۱۳) معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) جمعی را مشتبه شد؛ گفتند: «نه همه تو ساخته‌ای؟»

ب) شما چه می‌دانید که ما با این مشتی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟

ج) گفت اینجا اختصاصی دیگر هست که این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه که در او گنج معرفت تعبیه خواهم کرد.

۱۱۴) در هریک از عبارات زیر معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) خاک ذلیل را از حضرت عزّت به چندین اعزاز می‌خوانند و خاک چندین ناز می‌کند.

ب) خاک سوگند برداد به عزّت و ذوالجلالی حق که مرا مبر.

ج) همچنین هر چه از نفایس خزاین غیب بود، جمله در آب و گل، دفین کردند.

۱۱۵) در هریک از ابیات زیر واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها آرزوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

ب) دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

۱۱۶) در هریک از ابیات زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

ب) تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین دیو، آدم را بیند غیر طین

۱۱۷) در هریک از ابیات زیر معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

ب) ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

۱۱۸) واژه‌های مشخص شده را معنا کنید.

الف) تا در تحصیل فضل و ادب، رغبتی صادق نباشد، این منزلت نتوان یافت.

ب) من نهایت بُعد اختیار کردم، که قربت را خطر بسیار است.

۱۱۹) معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) عزرائیل بیامد و به قهر، یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت و بیاورد.

ب) حضرت جلّت به خداوندی خویش، در آب و گل آدم، چهل شباروز تصرف می‌کرد.

۱۲۰) معنای واژه مشخص شده را بنویسید.

«خداوند فرمود: برو؛ اگر به طوع نیاید به اکراه برگیر و بیاور»

۱۲۱) معنی واژه مشخص شده را بنویسید.

الف) دل را بر مثال کوشکی یافت.

۱۲۲) معنی لغات و ترکیبات مشخص شده را بنویسید.

الف) خداوند فرمود: برو؛ اگر به طوع نیاید به اکراه برگیر و بیاور.

۱۲۳) معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف) به قهر یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت.

۱۲۴) معنی واژگان مشخص شده زیر را بنویسید.

الف) وسایط گوناگون در هر مقام، بر کار کرد.

ب) خاک در کمال مذلت و خواری، با حضرت عزّت و کبریایی چندین ناز می‌کند.

پ) و به ید قدرت در گل از گل، دل کرد.

ت) همچنین، هر لحظه از خزانه غیب گوهری در نهاد او تعبیه می‌کردند.

ث) در این موضع تواند بود.

ج) چه کارها از ازل تا ابد در پیش است.

۱۲۵) با توجه به معانی داده شده یک واژه مناسب از متن درس بیاورید.

الف آن که نزدیک به کسی شده و در نزد او منزلت پیدا کرده است:

ب آنچه به مدد یا از طریق آن به مقصود می‌رسند:

پ دست در کاری کردن و دخالت:

۱۲۶ معنی واژگان مشخص شده را بنویسید.

الف تو را به حضرت می‌برم.

ب من طاقت قرب ندارم.

پ من نهایت بعد انتخاب کردم.

ت هر لحظه از خزاین غیب، گوهری در نهاد او تعبیه می‌کردند.

۱۲۷ معنی واژگان صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف حق تعالی، عزرائیل را بفرمود: «برو اگر به طوع و رغبت نیاید به اکراه و اجبار برگیر و بیاور». (اطاعت - کراهت)

۱۲۸ در همه گزینیه‌ها به جز گزینه غلط املائی وجود دارد.

الف) اشتر طلبد و مهمل آراست.

ب) من نهایت بعد اختیار کردم که غربت را خطر بسیار است.

ج) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام، بر کار کرد.

د) سپیده فردای گنجه با نحیب گلوله‌های توپ روس باز شد.

۱۲۹ در گروه‌های اسمی زیر، چند نادرستی دیده می‌شود؟

«حضرت غنای حق - طوع و رغبت - نفایس خزاین غیب - آب حیات ابدی - ابلیس پرتلیس - جسم و غالب آدم - مُشعشع و تابان»

۱۳۰ با دقت و توجه به جدول زیر، شکل‌ها و جایگاه همزه را در زبان فارسی بهتر بشناسیم:

شکل همزه	ا	ء	آ	أ	ؤ	ئ
جای همزه	آغازی	پایانی	آغازی و میانی و پایانی	میانی و پایانی	میانی و پایانی	میانی و پایانی
مثال	ابر، اراده، اجرت	جزء، شیء	آسان، الآن، مار بوآ	رأفت، مبدأ	رؤیا، مؤلف، لؤلؤ	هیئت، متلألئ

□ اکنون برای کاربرد هر یک از شکل‌های مختلف همزه، سه واژه مناسب بیاپید و بنویسید.

۱۳۱ در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«چون کار خلقت بدین کمال رسید، محبت والا گوهری بود از جمال بی‌چون الهی و حقا که این گوهر عمارت دل را مأمور نمود و ظاهرش را متلألئ کرد. و گرنه قالب آدم به سالیان متمادی میان مکه و طائف نهاده بود و قدر همان خاک بی‌عنایت را داشت.»

۱۳۲ نادرستی املائی را تصحیح کنید.

عزل و ابد - منزلت و مقام - خواست و سؤال - الطاف الوهیت - تحیر و تعجب - محرم اصرار - مشعشع و تابان - اصناف موجودات - مشته و نامعلوم - یک قبضه خاک - سهل و سعب

۱۳۳ نادرستی املائی را تصحیح کنید.

اکراه و اجبار - نفایس خزاین - حیات ابدی - ظلوم و جهول - رأفت و مهربانی - حکمت ملائکه - تواف و چرخیدن - معکوس و واژگونه - مذلت و عزت - متوسل شدن - عزت و ذوالجلالی - طوع و رقت

۱۳۴) نادرستی املائی را تصحیح کنید.

نقش‌های بوقلمون - معذور و معذور - مبدأ و معاد - باران محبت - نظر عنایت - ازلی بودن عشق - طاقت غرب - میکائیل و عزرائیل - خاک ذلیل - دواسبه آمدن عشق - مقهور و قاهر - لایق و مستهق - سرنشتر عشق - غالب آدم

۱۳۵) با توجه به معنا یا املا، در جای خالی از واژگان داخل کمانک استفاده کنید.

الف) تا در تحصیل فضل و ادب، صادق نباشد، این منزلت نتوان یافت. (رغبتی - رقتی)

ب

ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست در حضرت کریم، چه حاجت است (طمنا - تمنا)

پ

نانم افزود و آبرویم کاست بینوایی به از خواست (مذلت - مزلت)

ت

شعبده‌ای تازه برانگیختم هیکلی از نو ریختم (غالب - قالب)

ث

ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من تا ز تو دلپذیر شد، هستی من (ناگزیر - ناگذیر)

ج

او را خود نبودی به صید من من خویشتن، اسیر کمند نظر شدم (الطفات - الطفات)

چ

تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین دیو، آدم را نبیند غیر (تین - طین)

۱۳۶) هم‌آوای کلمات زیر را نوشته و سپس معنی هر یک را بنویسید.

الف) اثاث:

ب) سبا:

پ) خویش:

ت) ثواب:

۱۳۷) در هر یک از عبارت‌های زیر نادرستی املائی را بیابید و تصحیح کنید.

الف) خاک سوگند برداد: «به عزّت و ذوالجلالی حق که مرا مبر که غربت را خطر بسیار است.»

ب) به قهر یک غبضه خاک از روی جمله زمین بر گرفت.

پ) خاک ذلیل را از حضرت عزّت به چندین اعزاز می‌خوانند و در کمال مذلت و خاری ناز می‌کند.

۱۳۸) در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟ آنها را مشخص کرده و درست آنها را بنویسید.

«آن چه بود؟ گوهر محبت بود که تعبیه کرده بودند، و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استهقاق خزانه‌گی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته. خزانه‌گی آن را دل آدم لایغ بود، و به خزانه‌داری آن، جان آدم شایسته بود. ملائکه مقرب، هیچ کس آدم را نمی‌شناختند. یک به یک بر آدم می‌گزشتند و می‌گفتند: آیا این چه نقش عجیبی است که می‌نگارند؟»

دستور

۱۳۹) در واژه‌های زیر نوع همزه را مشخص کنید.

«لالی - سوء - استدلال - تأمل - مبدأ - فؤاد - هیئت»

۱۴۰) در واژه‌های زیر نوع همزه را مشخص کنید.

«مرآت - منشأ - الفت - مؤانست - متلألئ - جزء»

۱۴۱) در واژه‌های زیر نوع همزه را مشخص کنید.

«استخراج - پانته آ - ملجأ - تلألؤ - پروتئین - شیء»

۱۴۲) در واژه‌های زیر نوع همزه را مشخص کنید.

«ماء - رأفت - رؤسا - سائل - لؤلؤ - أخذ»

۱۴۳) شکل مفرد هریک از جمع‌های مکسر زیر را بنویسید.

«ملائک - اسامی - نفایس - الطاف - اصناف - وسایط - عباد - عناصر»

۱۴۴) جمع مکسر هریک از واژه‌های زیر را بنویسید.

«آفت - نقش - عجیب - خزانه - سر - نجم - ظاهر - صنعت»

۱۴۵) برای هر یک از واژگان زیر یک هم‌خانواده یا یک هم‌ریشه بنویسید.

الف خلقت:

ب ملول:

پ اعزاز:

ت الطاف:

۱۴۶) در هر یک از موارد زیر اجزای جملات مرکب را مشخص کنید.

الف

گر من نظری به سنگ بر، بگمارم از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم

ب آن چه بود که اول می‌گریختی و این چیست که امروز در می‌آویزی؟

۱۴۷) نقش دستوری واژه مشخص شده در کدام گزینه متفاوت است؟ توضیح دهید.

۱) جمعی را مشتبه شد، گفتند: «نه همه تو ساختی؟»

۲) گفت: «اینجا اختصاصی دیگر است، این را به خودی خود می‌سازم.»

۳) روزکی چند صبر کنید تا شما در این آینه نقش‌های بوقلمون ببینید.

۴) سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

۱۴۸) در بند پایانی درس «باران محبت»، جمله‌های مرکب و پیوندهای وابسته‌ساز را مشخص کنید.

۱۴۹) شکل درست همزه (ء) را در هریک از واژگان زیر بنویسید.

مَ / ء / مور ← لُ / ء / لُ / ء ←

۱۵۰) شکل درست همزه را با توجه به جایگاه آن در واژه‌های زیر بنویسید.

الف. جبرءیل ← ب. تءلیف ←

پ. تلاءء ← ت. ءرا ده ←

۱۵۱) منادا را در بیت و عبارت زیر پیدا کنید.

الف. ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر

کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

ب. خداوندا، تو داناتری، خاک تن در نمی‌دهد.

آرایه‌های ادبی

۱۵۲) برای هر مفهوم زیر، از متن درس «باران محبت»، معادل کنایی بیابید و بنویسید.

• نپذیرفتن

• متوسل شدن

• شتاب داشتن

۱۵۳) آرایه مشترک، در مصراع اول ابیات زیر را بنویسید.

الف) از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

ب) سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

۱۵۴ در بیت زیر، «استعاره» را مشخص کنید و آن را بررسی نمایید.

«سرنشتر عشق بر رگ روح زدند / یک قطره فرو چکید و نامش دل شد»

۱۵۵ در ابیات و عبارات زیر «اضافه تشبیهی» را بیابید و مشبّه و مشبّه‌به را مشخص کنید.

الف) این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه، که درو گنج معرفت تعبیه خواهم کرد.

ب) از شب‌نم عشق خاک آدم گل شد / صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

۱۵۶ در بیت «درفشان لاله در وی چون چراغی / ولیک از دود او بر جانش داغی»، «مشبّه» کدام کلمه است؟

۱۵۷ استعاره را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید.

الف) خانه آب و گل آدم، من می‌سازم.

ب)

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت / شیر خدا و رستم دست‌انم آرزوست

پ)

سرنشتر عشق بر رگ روح زدند / یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

ت) گوهری، در نهاد او تعبیه می‌کردند.

ث)

ای آفتاب حُسن، برون آ، دمی ز ابر / کان چهره مشعشع تابانم آرزوست

ج) عشق حالی دواسبه می‌آمد.

چ)

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دَد ملولم و انسانم آرزوست

۱۵۸ «کنایه» را در بیت و عبارات زیر مشخص کنید و معنای آن را بنویسید.

الف) از روی زمین یک مشت خاک بردار و بیاور.

ب) عشق، حالی دواسبه می‌آمد.

پ) شما را سر و کار با عشق نبوده است.

ت) از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم

ث) او به هزار دست در دامنش آویزد

ج) آدم به زیر لب آهسته می‌گفت ...

چ)

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست / بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

ح) خاک تن در نمی‌دهد.

۱۵۹ معنای هر یک از عبارات کنایی زیر را بنویسید.

الف) تن در ندادن

ب) در دامن آویختن

پ) دواسبه آمدن

۱۶۰ آرایه ادبی «تشبیه» را در هر یک از عبارات زیر بررسی نمایید.

الف) پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک آدم را گل کرد.

ب) گل دل را از بهشت بیاوردند و به آب حیات ابدی سرشتند و به آفتاب نظر، پی‌وردند.

پ) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

۱۶۱ در کدام گزینه استعاره دیده می‌شود؟ توضیح دهید.

- ۱) از شبنم عشق خاک آدم گل شد
- ۲) سر نشتر عشق بر رگ روح زدند
- ۳) در من نگری همه تنم دل گردد
- ۴) گفتند یافت می‌نشود جُسته‌ایم ما
- صد فتنه و شور در جهان حاصل شد
- یک قطره فرو چکید و نامش دل شد
- در تو نگر، همه دلم دیده شود
- گفت آنکه یافت می‌نشود آنم آرزوست

۱۶۲ از میان ترکیب‌های زیر «اضافه‌های استعاری» را جدا کنید.

«ید قدرت - باران رحمت - مهد زمین - رگ روح - درخت دوستی - خزاین غیب - رشته صبر - قطره دانش - در دل»

۱۶۳ کدام یک از ابیات زیر به آیه ۱۰۳ سورة انعام «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ الْغَيْبُ الْخَبِيرُ» تلمیح دارد؟

- الف) ای نهان دان آشکارا بین
- ب) عشق هم صورت است و هم معنی
- تو رسانی امید ما به یقین
- آشکارا و هم نهان عشق است

۱۶۴ در بیت زیر آرایه‌های تضاد و تلمیح را بیابید.

«دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسام آرزوست»

۱۶۵ «آینه» در عبارت زیر از درس «شبنم عشق» استعاره از چیست؟

«صبر کنید تا من بر این مشت خاک دست‌کاری قدرت بنمایم، تا شما در این آینه نقش‌های بوقلمون ببینید.»

۱۶۶ «تلمیح» به کاررفته در ابیات زیر را بنویسید.

الف

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

ب

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

۱۶۷ در بیت زیر «ایهام و جناس» را بیابید.

پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

۱۶۸ در متن زیر آرایه‌های ذکر شده را بیابید.

«پس، از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل دل کرد. عشق، نتیجه محبت حق اوست.»
الف) جناس ناهمسان

ب) اضافه تشبیهی

ج) سجع

۱۶۹ عبارت زیر را از دید آرایه‌های ادبی، بررسی کنید.

«پس، از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به ید قدرت در گل از گل، دل کرد.»

۱۷۰ در بیت زیر آرایه‌های «کنایه، استعاره و مراعات نظیر» را بیابید.

«ای آفتاب حسن، برون آدمی ز ابر کان چهره مشعشع تابانم آرزوست»

۱۷۱ در بیت زیر آرایه‌های «تشبیه، استعاره و مراعات نظیر» را بیابید.

«بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست»

۱۷۲ در عبارت زیر دو اضافه تشبیهی و یک تلمیح بیابید.

«آن چه بود؟ گوهر محبت بود که در صدف امانت تعبیه کرده بودند و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزان‌داری آن گوهر نیافته»

۱۷۳ با توجه به بیت «تو ز قرآن، ای پسر ظاهر مبین دیو، آدم را نبیند غیر طین» به سؤالات پاسخ دهید.

الف) تلمیح را بیابید.

ب) در بیت چند استعاره وجود دارد؟

ج) چه واژه‌هایی آرایه تضاد دارند؟

قرابت معنایی

۱۷۴) دربارهٔ ارتباط معنایی آیات شریفهٔ زیر و متن درس «باران محبت» توضیح دهید.

الف) و عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا. (همهٔ نام‌ها را به آدم آموخت). (سورهٔ بقره، آیهٔ ۳۱)
ب) إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم؛ پس، از پذیرفتن و حمل آن خودداری کردند و از آن هراسناک بودند و انسان، آن را بر دوش کشید. به درستی که او بسیار ستمگر و نادان بود. (سورهٔ احزاب، آیهٔ ۷۲)

۱۷۵) هر بیت، با کدام قسمت از متن درس «باران محبت» تناسب مفهومی دارد؟

الف) ناز تو و نیاز تو شد، همه دلپذیر من
ب) نیست جانم محرم اسرار عشق
پ) تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین
تا ز تو دلپذیر شد، هستی ناگزیر من «حسین منزوی»
هر که را در جان، غم جانانه نیست «خواجوی کرمانی»
دیو، آدم را نبیند غیر طین «مولوی»

۱۷۶) مفهوم مشترک ابیات زیر را بیابید.

الف) گفتند یافت می‌نشود، جستیم ما
ب) آدمی در عالم خاکی نمی‌آید به دست
گفت: «آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست»
عالمی دیگر باید ساخت و ز نو آدمی

۱۷۷) با توجه به درس، مفهوم کلی بیت زیر چیست؟

«گر من نظری به سنگ بر بگمارم
از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم»

الف) کارهای خارق‌العاده انجام دادن

ب) نظر و عنایت خداوند به موجودات، به آنان قدر و منزلت می‌بخشد.

۱۷۸) مفهوم «آفرینش بی‌واسطهٔ انسان توسط خداوند» از کدام عبارت دریافت می‌شود؟

الف) چون کار به خلقت آدم رسید، گفت «أَنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ»
ب) و آن را به نظر غایت پرورش می‌داد و حکمت با ملائکه می‌گفت: شما در گل منگرید، در دل نگرید.

۱۷۹) با توجه به متن زیر:

«خاک سوگند برداد که به عزّت و ذوالجلالی حق که مرا مبر که من طاقت قُرب ندارم و تاب آن نیارم؛ من نهایت بُعد اختیار کردم، که قربت را خطر بسیار است»

الف) چرا خاک از نزدیک شدن و قرب به درگاه الهی پرهیز می‌کند؟

ب) آرایهٔ تشخیص را بیابید.

۱۸۰) با توجه به عبارت زیر، چرا «دل آدم» لایق خزانگی گوهر محبت بود؟

«گوهر محبت را بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ‌کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود که به آفتابِ نظر پرورده بود و به خزانه‌داری آن جان آدم شایسته بود که چندین هزار سال از پرتو نور احدیت پرورش یافته بود.»

۱۸۱) مفهوم مشترک موارد زیر چیست؟

- تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین
- دیو، آدم را نبیند غیر طین
- شما در گل منگرید، در دل نگرید.

معنا و مفهوم ابیات و عبارات

۱۸۲) در عبارت «چون کار دل به این کمال رسید، گوهری بود در خزانهٔ غیب که آن را از نظر خازنان پنهان داشته بود فرمود که آن را هیچ خزانه

لایق نیست الا حضرت ما یا دل آدم و آن را بر ملک و ملکوت عرضه داشته.»

الف) مقصود از «گوهر» چیست؟

ب) «خازنان» چه کسانی هستند؟

ج) معنی مجازی «ملک و ملکوت» را بنویسید.

۱۸۳ در عبارت‌های زیر، مقصود از قسمت‌های مشخص شده چیست؟

الف) شما در این آینه، نقش‌های بوقلمون ببینید.

ب) هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوه‌ر نیافته، خزانگی آن را دل آدم لایق بود.

پ) حکمت ربوبیت به سر ملایکه فرو می‌گفت.

۱۸۴ ایات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف) یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت.

۱۸۵ با توجه به بیت زیر، محصول آمیختن عشق و روح نامیده شد.

«سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد»

۱۸۶ درباره‌ی دنیای آرمانی شاعر شعر «آفتاب حسن» توضیح دهید.

۱۸۷ مفهوم مشترک «دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست» با بیت زیر چیست؟

«نه هر چه جانورند آدمیتی دارند بس آدمی که در این ملک نقش دیوارند»

۱۸۸ معنای بیت زیر را بنویسید.

«بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست»

۱۸۹ بیت زیر را معنی کنید.

«ای آفتاب حسن، برون آ، دمی ز ابر کان چهره مشعشع تابانم آرزوست»

۱۹۰ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.

«گفتی ز ناز بیش مرنجان مرا، برو»

۱۹۱ بیت زیر را معنا کنید.

«زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست»

۱۹۲ بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست»

۱۹۳ بیت زیر را معنا کنید.

«گفتند یافت می‌نشود جسته‌ایم ما گفت آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست»

۱۹۴ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.

«پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها ازوست آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست»

۱۹۵ بیت زیر را معنی کنید.

«گر من نظری به سنگ بر، بگمارم از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم»

۱۹۶ بیت زیر را به فارسی روان برگردانید.

«سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد»

۱۹۷ مفهوم کلی متن زیر را بنویسید.

«آن روز گل بودم، می‌گریختم، امروز همه دل شدم، درمی‌آویزم.»

۱۹۸ مفهوم کلی بیت «سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد» چیست؟

الف) از روح انسان، دل آفریده شده است.

ب) دل حاصل عشقی است که در روح انسان دمیده شده است.

۱۹۹ کدام یک از عبارات زیر به «مقام والای دل انسان» اشاره می‌کنند؟

الف) اینجا، عشق معکوس گردد؛ اگر معشوق خواهد ازو بگریزد، او به هزار دست در دامنش آویزد.

ب) ابلیس با خود گفت: هرچه دیدم، سهل بود، کار مشکل این جاست و اگر حق تعالی را با این قالب، سر و کاری خواهد بود، در این موضع تواند بود.

۲۰۰ مفهوم کلی بیت زیر را بنویسید.

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

۲۰۱) مفهوم کلی مصراع اول بیت زیر را بنویسید.

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

۲۰۲) عبارت زیر را معنا کنید.

«ابلیس را چون در دل آدم بار ندادند، مردود همه جهان گشت.»

۲۰۳) عبارت زیر را معنا کنید.

عزرائیل پیامد و به قهر، یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت.

۲۰۴) عبارت زیر را معنا کنید.

«خداوند فرمود: صبر کنید تا من بر این مشت خاک، دست کاری قدرت بنمایم، تا شما در این آینه، نقش های بوقلمون ببینید»

۲۰۵) عبارت زیر را معنا کنید.

«حق تعالی چون اصناف موجودات می آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام، بر کار کرد. در آدم گنج معرفت تعبیه کرد.»

۲۰۶) عبارت زیر را معنا کنید.

«الطاف الوهیت به سر ملائکه فرو می گفت:» معذوری که شما را سر و کار با عشق نبوده است.»

۲۰۷) عبارت زیر را معنا کنید.

«یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت»

۲۰۸) در درس «باران محبت»، نویسنده علت مردود بودن شیطان را چه می داند؟

۲۰۹) با توجه به رباعی زیر، دل محصول چه چیزی است؟

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

۲۱۰) شعر زیر در چه قالبی سروده شده است؟

از شبنم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

۲۱۱) در عبارت «الطاف الوهیت به سر ملائکه فرو می گفت...» منظور از «سر» چیست؟

۲۱۲) ابیات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) به قهر یک قبضه ی خاک از روی جمله ی زمین برگرفت.

۲۱۳) عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) حق - تعالی - چون اصناف موجودات می آفرید وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد و در آدم گنج معرفت تعبیه کرد.

۲۱۴) ابیات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) خداوند چون اصناف موجودات می آفرید، وسایط گوناگون در هر مقام بر کار کرد.

۲۱۵) با توجه به عبارت زیر از درس «شبنم عشق» به سوالات زیر پاسخ دهید.

«روزی چند صبر کنید تا من بر این یک مشت خاک دست کاری قدرت بنمایم، تا شما در این آینه نقش های بوقلمون ببینید.»

الف) «مشت خاک» بیانگر چه مفهومی است؟

ب) منظور از «نقش های بوقلمون» چیست؟

۲۱۶) ابیات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف) معذوری که شما را سر و کار با عشق نبوده است.

۲۱۷) ابیات و عبارات زیر را به نثر روان، بازگردانی کنید.

الف) یک قبضه خاک از روی جمله زمین برگرفت

۲۱۸) معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

الف) خداوند گفت: «خانه آب و گل آدم، من می سازم بی واسطه؛ که در او گنج معرفت تعبیه خواهم کرد.»

۲۱۹) با توجه به عبارت زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

«گوهر محبت بود که تعبیه کرده بودند، و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانهداری آن گوهر نیافته، خزانگی آن را دل

آدم لایق بود، و به خزانه‌داری آن، جانِ آدم شایسته بود.

الف چرا دل آدم لایق خزانگی گوهر محبت بود؟

ب مقصود از «گوهر» چیست؟

۲۲۰ با توجه به عبارت زیر از درس «شبنم عشق» به سؤالات پاسخ دهید.

«روزی چند صبر کنید تا من بر این یک مشت خاک، دست‌کاری قدرت بنمایم، تا شما در این آینه، نقش‌های بوقلمون ببینید. اول نقش، آن باشد که همه را سجده او باید کرد.»

الف «او» در عبارت بالا کیست؟

ب منظور از «دست‌کاری قدرت نمودن» چیست؟

پ «نقش‌های بوقلمون» بیانگر چه مفهومی است؟

ت «مشت خاک» بیانگر چه مفهومی است؟

ث مقصود از «آینه» چیست؟

۲۲۱ معنای ساده و روان عبارات زیر را بنویسید.

الف اینجا، عشق معکوس گردد، اگر معشوق خواهد که از او بگریزد، او به هزاردست در دامنش آویزد.

ب آن‌چه بود که اول می‌گریختی و این چیست که امروز درمی‌آویزی؟

پ آن روز گل بودم، می‌گریختم، امروز همه دل شدم، درمی‌آویزم.

ت خداوند گفت: «خانه آب و گل آدم، من می‌سازم بی‌واسطه؛ که در او گنج معرفت تعبیه خواهم کرد.»

ث در هر ذره از آن گل، دلی تعبیه می‌کرد.

ج ابلیس گفت: هر چه دیدم سهل بود، کار مشکل اینجاست.

۲۲۲ مفهوم هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف

زین هم‌رهان سست‌عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

ب

پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست آن آشکارصنعت پنهانم آرزوست

۲۲۳ عبارات زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف این را به خودی خود می‌سازم بی‌واسطه، که درو گنج معرفت، تعبیه خواهم کرد.

ب تو را به حضرت می‌برم که از تو خلیفتی می‌آفریند.

پ سوگند برداد به عزت و ذوالجلالی حق که مرا مبر که من طاقت قرب ندارم.

ت خداوندا، تو داناتری، خاک تن در نمی‌دهد.

ث اگر به طوع و رغبت نیاید، به اکراه و اجبار، برگیر و بیاور.

ج عشق، حالی دواسبه می‌آمد.

چ آیا این چه سر است که خاک ذلیل را از حضرت عزت به چندین اعزاز می‌خوانند و خاک در کمال مذلت و خواری با حضرت عزت و کبریایی،

چندین ناز می‌کند و با این همه، حضرت غنا، دیگری را به جای او نخواند و این سر با دیگری در میان نهاد.

ح و آن را به نظر عنایت، پرورش می‌داد و با ملایکه می‌گفت: «شما در گل منگرید، در دل نگرید.»

خ به آب حیات ابدی سرشتند، و به آفتاب نظر، پرورند.

د هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته. خزانگی آن را دل آدم لایق بود.

ذ نمی‌دانستند که این چه مجموعه است تا ابلیس پرتلیس یک باری گرد او طواف می‌کرد.

ر چون ابلیس، گرد قالب آدم بر آمد، هر چیز را که بدید، دانست که چیست؛ اما چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت.

۲۲۴) با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«خاک سوگند برداد: به عزّت و ذوالجلالی حق که مرا مَبَر که من طاقت قُرب ندارم و تاب آن نیارم؛ من نهایت بُعد انتخاب کردم که قربت را خطر بسیار است.»

الف) منظور از «آن» چیست؟

ب) کدام واژه معنای مقابل «قُرب» است؟

۲۲۵) معنی ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

الف) «چون به دل رسید، دل را بر مثال کوشکی یافت»

۲۲۶) مفهوم قسمت مشخص شده در عبارت زیر را بنویسید؟

الف) «شما در این آینه، نقش‌های بوقلمون ببینید»

ب) هر لحظه، از خزاین غیب، گوهری در نهاد او تعبیه کرد.

۲۲۷) در عبارت «خانه آب و گل آدم، من می‌سازم.» منظور از قسمت مشخص شده چیست؟

۲۲۸) سه بیت نخستین شعر «آفتاب حسن» را با توجه به گونه «ادب غنایی» بررسی کنید.

۲۲۹) با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست»

الف. «شیر خدا و رستم دستان» نماد چه هستند؟

ب. مفاهیم کنایه‌های به کاررفته را در مصراع اول بنویسید.

تاریخ ادبیات

۲۳۰) مهم‌ترین اثر نجم الدین رازی (دایه) را نام ببرید.

۲۳۱) بیت «ناز تو و نیاز تو شد، همه دلپذیر من
الف) خواجوی کرمانی ب) حسین منزوی

۲۳۲) نویسنده هر یک از آثار زیر را بنویسید.

الف) مِرصاد العباد مِنَ الْمَبْدَأِ إِلَى الْمَعَادِ:

ب) غزلیات شمس تبریزی:

۲۳۳) سراینده هر یک از ابیات زیر را بنویسید.

الف)

ارباب حاجتیم و زبان سؤال نیست در حضرت کریم، تمنا چه حاجت است

ب)

نام افزود و آبرویم کاست بینوایی به از مذلت خواست

پ)

ناز تو و نیاز تو شد همه دلپذیر من تا ز تو دلپذیر شد، هستی ناگزیر من

ت)

نیست جانش محرم اسرار عشق هر که را در جان، غم جانانه نیست

ث)

تو ز قرآن، ای پسر، ظاهر مبین دیو، آدم را نبیند غیر طین

شعر خوانی: آفتاب حُسن

۲۳۴) مصراع دوم بیت زیر کدام گزینه است؟

- زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت
الف) کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
ب) کان چهرهٔ مشعشع تابانم آرزوست
ج) شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
د) آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

۲۳۵) با توجه به شعر «آفتاب حسن» جاهای خالی را کامل کنید.

الف)

بگشای لب که قند فروانم آرزوست

ب)

ای آفتاب حُسن، برون آدمی ز ابر

پ)

آن گفتنت که «بیش مرنجانم» آرزوست

ت)

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت

ث)

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

ج)

گفت: «آنکه یافت می‌نشود آنم آرزوست»

۲۳۶) ابیات زیر را کامل کنید.

الف)

کان چهرهٔ مُشعشع تابانم آرزوست

ب)

گفتند: «یافت می‌نشود جسته‌ایم ما»

پ)

پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست

۲۳۷) با توجه به شعرهای حفظی در هر یک از ابیات زیر، برخی واژه‌ها جابه‌جا شده‌اند؛ آنها را در جای خود قرار دهید.

الف)

دی شیخ همی گشت با چراغ گرد شهر
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
۲۳۸) واژه‌های به‌هم‌ریختهٔ مصراع زیر را مرتب کنید سپس بیت آن را به‌صورت کامل بنویسید.
«آشکار صنعت / آرزوست / آن / پنهانم»

پاسخنامه تشریحی

۱ الف) خویش اول: خود

خویش دوم: فامیل

ب) موسم: هنگام، زمان

۲ الف) رنج بردن: جهد

ب) مصلحت اندیشی: چاره گری

ج) آفرینش: سرشت

د) پرورش یافته: پرورده

۳ الف) درفش ⇐ د) بیرق

ب) هنگام ⇐ ه) موسم

ج) رنج بردن ⇐ الف) جهد

د) اقوام ⇐ ب) خویشان

ه) سراسر ⇐ ج) جمله

۴ رایت: پرچم، بیرق، درفش

آسمان گیر: مشهور، فتح کننده آسمان

۵ الف) جمله: همه، سراسر

محراب: عبادتگاه

ب) چاره گری: تدبیر، مصلحت اندیشی

زبان کشیدند: صحبت کردند

۶ موسم: زمان، هنگام

محمل: کجاوه که بر شتر بندند، مهد

۷ پرورده: پرورش یافته

سرشت: ذات و فطرت، طبع

۸ جهد: کوشش، تلاش، سعی

مهد: محمل، کجاوه که بر شتر بندند.

۹ الف) مبتلا: بیمار

ب) غایت: نهایت

۱۰ گزاف کاری: بیهوده کاری

توفیق: آن است که خداوند اسباب را موافق خواهش بنده مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛ سازگار گردانیدن

۱۱

الف) بخت: شانس، اقبال، دولت

ب) خویشان: اقوام

پ) خنیده نام تر: مشهور تر، پر آوازه تر

ت) یک سر: تماماً، یکسره

ث) حاجت گه: برآورنده نیاز، محل بر آوردن نیاز

ج) رستگاری: آزادی، رهایی، نجات

۱۲

الف) به اتفاق: همه با هم، همگی

ب) زلف: مو، گیسو

۱۳ جهد: کوشش، تلاش، سعی توفیق: سازگار گردانیدن خنیده: مشهور، معروف

۱۴

الف بگزار ← بگزار

ب بگزر ← بگزر

پ عاغلش ← عاقلش

ت چارسازی ← چاره‌سازی

ث مبطلا ← مبتلا

ج هدیث ← حدیث

چ ذلف ← زلف

۱۵

الف محمل

۱۶ در بیت «الف» واژه «مهراب» نادرست و شکل صحیح آن «محراب» است و نیز در بیت «پ» واژه «غصه» نادرست و شکل صحیح آن «قصه» است.

۱۷ خصال ← خصلت / مجانین ← مجنون

انوار ← نور / ملل ← ملت

علوم ← علم / تواریخ ← تاریخ / خصایل ← خصیلت

۱۸ شکل مرتب‌شدهٔ مصراع‌های سؤال:

ب) پدر به کار او سخت درمآند
نهاد متمم قید فعل

ب) بخت از کار او دل برداشت
نهاد متمم فعل

۱۹ شیوهٔ بیان بیت، بلاغی است زیرا اجزای آن نامرتب است. شیوهٔ عادی آن چنین است:

«به اتفاق یک‌سر گفتند که این در از کعبه گشاده گردد.»

۲۰ ۲: مجنون چو حدیث عشق بشنید....

۲۱ شکل مرتب‌شدهٔ بیت سؤال: گفت: ای پسر این جای بازی نیست بشتاب زیرا که جای چاره‌سازی است.

۲۲ الف «سینه پر جوش» نقش قیدی دارد.

ب) چون کعبه حلقه در گوش نهاد.

۲۳ ب) شکل مرتب‌شدهٔ بیت ب: سرشت من پروردهٔ عشق شد سرنوشتم جز عشق مباد.

۲۴ بلاغی، زیرا اجزای جمله نامرتب است و فعل بر نهاد تقدّم یافته است. (آن آفتاب پنهانی طلوع می‌کند)

۲۵ بلاغی، زیرا اجزای جمله مرتب نیست، فعل بر متمم و دیگر اجزا مقدّم شده است.

۲۶ شیوه «بلاغی» زیرا فعل (ترسانم) بر متمم و مضاف‌الیه (بدی خود) مقدّم شده و اجزای جمله نامرتب گردیده است.

۲۷ شکل مرتب‌شدهٔ بیت سؤال:

چون رایت عشق آن جهانگیر چون مه لیلی آسمانگیر شد.
گروه نهادی متمم مسند

۲۸ بلاغی، زیرا ترتیب اجزای جمله به هم ریخته است و مسند و فعل بر نهاد مقدّم شده‌اند.

۲۹ بلاغی، زیرا اجزای جمله نامرتب است (اکنون که نعمت به دست توست دریاب، زیرا این دولت و ملک دست به دست می‌رود).

۳۰ شکل مرتب‌شدهٔ مصراع دوم ≤ چو ماه در یکی مهد بنشانند.

۳۱ قید: یک‌سر، به اتفاق

۳۲

الف ۳ جمله

۱ - دریاب

۲ - مبتلای عشق هستم

۳- از بلای عشق، مرا آزاد کن

ب دریاب / که (من) مبتلای عشق م (هستم) / مرا از بلای عشق آزاد کن

پ «م» مصراع اول مخفف فعل هستم و نشان‌دهنده نهاد جمله نیز است.
«م» در مصراع دوم «مفعول» است.

ت مبتلای عشق، بلای عشق

ث سه جزء دارد.

(من) / مبتلای عشق / هستم

نهاد مسند فعل

۳۳

الف حلقه [در] را در بر گرفته و می‌گفت: امروز من چون حلقه بر در هستم.

ب بخت از کار او دل برداشت، پدر به کار او سخت در ماند.

پ سوی کعبه سینه پر جوش آمد و چون کعبه، حلقه در گوش نهاد.

۳۴

الف بلاغی (تقدم فعل بر متمم و مسند)

ب عادی

پ بلاغی (چو بیچارگی ورا دیدند).

ت بلاغی (تقدم فعل بر متمم)

۳۵

الف ش: مضاف‌الیه

ب م = به من: متمم

پ ت: مضاف‌الیه

ت م = به من: متمم

ث «م» در «رسانم»: مفعول

ج م (آرزوی من): در هر دو مصراع مضاف‌الیه

۳۶

الف «چاره‌ساز» در اینجا «مسند» است. (هر یک چاره‌ساز شدند)

ب «بیچارگی» واژه‌ای در اینجا «مفعول» است. (بیچارگی او را دیدند)

۳۷

الف مفعول

ب دریاب

۳۸

الف بدل «یا» قید - مسند

ب هر: صفت مبهم

۳۹ گزینه ۳: «م» در این گزینه مخفف فعل اسنادی است (مبتلای عشق هستم).

۴۰ الف) در مصراع اول: مخفف فعل اسنادی «هستم»، در مصراع دوم: مفعول (مرا آزاد کن)

ب) در هر دو مصراع: مضاف‌الیه (سرشت من، سرنوشت من)

۴۱ در هر دو بیت حرف اضافه است، اما در بیت دوم (به خدایی - به کمال پادشاهی) در مفهوم سوگند به کار رفته است.

۴۲ «حلقه در گوش نهادن» کنایه از اظهار بندگی کردن، مطیع و فرمانبردار بودن

شاعر در مصراع دوم پدر مجنون را به کعبه تشبیه کرده که وجه شبه آن «حلقه در گوش نهادن» است.

پدر مجنون چون کعبه حلقه در گوش نهاد

مشبهه ادات تشبیه مشبهه وجه شبه

۴۳ الف) مجاز: سر مجاز از قصد و نیت

ب) کنایه: رنگ را ویران ریختن کنایه پایه‌ای خراب و دردآفرین بنا نهادن

۴۴ کنایه: محمل آراستن کنایه از آماده شدن برای سفر

۴۵ کنایه: زبان کشیدن: کنایه از صحبت کردن

۴۶

الف) جهان گیر شدن کنایه از مشهور شدن

ب) آسمان گیر شدن کنایه از همه گیر شدن

پ) زبان کشیدن کنایه از سخن گفتن

ت) اسیر بودن دل کنایه از عاشق شدن

۴۷

الف) «دل برداشتن»: کنایه از بی‌توجهی

ب) «زبان کشیدن»: کنایه از گفت‌وگو کردن

پ) «گشوده شدن در»: کنایه از حل شدن مشکل

۴۸ بیت اول: «رایت عشق» اضافه تشبیهی (عشق: مشبه؛ رایت: مشبه به) / تشبیه (رایت عشق: مشبه، مه لیلی: مشبه به) / جهان گیر: کنایه از مجنون نامی و مشهور /

آسمان گیر شدن: کنایه از مشهور شدن، آشکار گردیدن در جهان / مه: استعاره از چهره لیلی / مه و آسمان: مراعات نظیر / چون (اول): وقتی که؛ چون (دوم): مانند: جناس تام (همسان)

بیت دوم: دل برداشتن: کنایه از قطع علاقه کردن، ناامید شدن / «دل برداشتن» برای بخت: تشخیص، استعاره / بخت و سخت: جناس ناقص اختلافی (ناهمسان)

۴۹ تناقض: کار بیکاران

کنایه: بیکاران کنایه از انسان‌های سرمست و بی‌توجه به خرد

۵۰ تشبیه: شراب عشق: اضافه تشبیهی (عشق به شراب مانند شده است)

جناس ناهمسان: مست و هست

۵۱ الف) جناس همسان: "بر" اول آغوش و "بر" دوم حرف اضافه - "در" اول حرف اضافه و "در" دوم به معنای درب

ب) تشبیه: من به حلقه در

ج) جناس ناهمسان: در و بر

۵۲ کنایه: در چیزی دست زدن کنایه از متوسل شدن

تشخیص و استعاره: زلف کعبه تشخیص و استعاره است.

تشبیه: مجنون به مار تشبیه شده است.

۵۳ تشبیه: چو ماه

جناس ناهمسان: جهد و مهد

۵۴ الف) کنایه: حلقه در گوش نهادن کنایه از اظهار بندگی کردن

ب) جناس ناهمسان: جوش و گوش

ج) مجاز: سینه مجاز از دل

۵۵ واج آرای: تکرار صامت /ج/

مجاز: جهان مجاز از مردم جهان / زمین و آسمان مجاز از کل هستی

۵۶ جناس ناهمسان: بخت و سخت

کنایه: دل برداشتن: کنایه از ناامید شدن

۵۷ جناس ناهمسان: سر و در

کنایه: گشاده شدن در کنایه از حل شدن مشکل

استعاره: «در» استعاره از مشکل

۵۸ کنایه: آسمان گیر کنایه از مشهور

تشبیه: چون مه لیلی

استعاره: جهان گیر استعاره از مجنون

جناس همسان: چون اول: وقتی که چون دوم: مانند

الف «رایت عشق»: تشبیه («عشق»: مشبه؛ «رایت»: مشبه به)؛ «مه»: استعاره از چهره زیبای لیلی

ب «اشتر» مجاز از لوازم سفر

پ «مست» و «هست»: جناس ناهمسان (ناقص)

۶۰ معنی: ای عشق من، یک بار عقل را کنار بگذار و با دل به حل مسائل بپرداز.

مفهوم: تقابل عقل و عشق

بستگان و فامیل‌ها، وقتی بیچارگی او را دیدند از راه چاره‌اندیشی و تصمیم عاقلانه در پی درمان درد او برآمدند و پیشنهاد دادند که دیدار خانه خدا راه‌گشای کار مجنون است. غافل از اینکه این کار با عقل حسابگر و آینده‌نگر درمان نمی‌پذیرد.

۶۱ مفهوم بیت «نعمت‌الله ولی»: عاشقی، کار افراد بیکار است و انسان عاقل به‌سوی عشق و عاشقی نمی‌رود.

مفهوم بیت «بیدل»: درمان‌ناپذیری عشق

پدر مجنون، عشق مجنون را بیهوده و کار عاشقی را، کار بیکاران می‌دانسته است. از این‌رو برای درمان این درد، پسر را روانه خانه خدا ساخت. زمانی که راز و نیاز مجنون را در کنار خانه خدا شنید، به عشق پاک و صادقانه او پی برد و فهمید که درد عشق او درمان‌ناپذیر است.

۶۲ الف) شاعر برای کعبه زلف قائل شده است، تشخیص است.

ب) دست در چیزی زدن کنایه از متوسل شدن.

۶۳ مفهوم بیت سؤال و بیت سعدی «وفاداری عاشق» است. عاشق هیچ‌گاه دست از معشوق بر نمی‌دارد.

۶۴ هر دو بیت به «وفاداری عاشق و فراموش نکردن عشق» اشاره می‌کنند.

۶۵ هر دو بیت به «شهرت یافتن عاشق در عشق» اشاره می‌کنند.

۶۶ هر دو بیت به «بدقابلی اقبال عاشق و درماندن در کار عشق» اشاره می‌کنند.

۶۷ الف) مرجع ضمیر «او» در «ورا» (او را) پدر مجنون است.

ب) زبان کشیدن کنایه از صحبت کردن.

۶۸ الف) مرجع ضمیر «او» در هر مصراع پدر مجنون است.

ب) در بیت اقوام و خویشان صفت «چاره‌گری» داده شده است مفهوم کلی بیت «چاره‌اندیشی خویشاوندان برای حل مشکل عاشق»

۶۹ الف) مرجع ضمیر «او» مجنون است.

ب) مفهوم کلی بیت: برگشتن بخت و اقبال از مجنون و درماندگی اطرافیان از عاشق شدن او.

۷۰ الف) منظور از جهان‌گیر مجنون است.

ب) مفهوم بیت به «شهرت یافتن عاشق در عشق» اشاره می‌کند.

۷۱ مفهوم مقابل آن در بیت گزینه ۲، دیده می‌شود. در بیتی که در سؤال آمده بیان می‌شود که چاره‌جویی را باید کنار گذاشت و کارها را به دل سپرد، اما در بیت «ب به دنبال چاره‌جویی هستند.

۷۲ در هر دو بیت به این موضوع اشاره شده که «عاقل به سمت عشق نمی‌رود و عشق کار بیکاران است.»

۷۳ معنی: (کعبه) محلّ برآورده شدن نیازهای همه مردم دنیا است و قبله‌گاه ساکنان زمین و فرشتگان است.

مفهوم: بیان عظمت کعبه

۷۴ پدر مجنون از سر دردمندی و نیازمندی به درگاه کعبه آمد و پیش خداوند اظهار بندگی کرد.

۷۵ مثنوی

۷۶ گزینه (ب) این بیت از زبان مجنون است.

۷۷ عشق‌ورزی (یا مفاهیم نزدیک)

۷۸ مفهوم بیت هفدهم: نصیحت‌ناپذیری مجنون

مفهوم بیت بیستم: ترجیح زندگی معشوق بر زندگی عاشق / از خودگذشتگی

۷۹ «مثنوی» قالب شعری است که هر بیت آن، قافیه جداگانه دارد و چون محدودیت قافیه ندارد و شاعر می‌تواند در ابیات بعد از قافیه قبلی استفاده کند، مناسب‌ترین قالب برای سرودن منظومه‌های داستانی و اشعار بلند است.

۸۰ معنی بیت: ای خداوند در بیماری عشق گرفتار شدم مرا دریاب. مرا از بلای عشق رهایی بخش.

۸۱ الف) منظور از «در» مشکل است.

ب) نهاد فعل «گفتند» خویشان و اقوام هستند.

۸۲) تقابل عشق و عقل

۸۳) مفهوم کلی عبارت سوال: در میان خلق بودن ولی یک لحظه از یاد خدا غافل نبودن.

۸۴) ب.

۸۵) مفهوم مشترک دو بیت سوال «رهایی خواستن از گرفتاری عشق» است.

۸۶) مفهوم کلی بیت سوال: آرزوی افزونی عشق عاشق (انسان عاشق هرگز از عشق دل زده نمی شود).

۸۷) معنی بیت: به دنبال آباد نمودن دل نباش زیرا از روز ازل بنای دل بر درد آفرینی و رنج آور بودن نهاده شده است.

۸۸) معنی بیت: اقوام همگی گفتند این مشکل فقط توسط خداوند حل خواهد شد.

۸۹) معنی بیت: اقوام وقتی عجز و درماندگی او را دیدند برای چاره اندیشی و حل مشکل با او صحبت کردند.

۹۰) وقتی پرچم عشق مجنون مانند زیبایی لیلی آسمان گیر و مشهور شد.

۹۱)

الف) نیاز، چاره ساز

ب) جهد، مهذ

پ) م (م، اول به معنی «هستم» و «م» دوم به معنی ضمیر «من» (در نقش مفعول) است.)

۹۲)

الف) چاره اندیشی اقوام برای حل مشکل

ب) تنها اجابت کننده خواسته ها خداست.

پ) درخواست لطف و عنایت از خداوند برای حل مشکل

ت) متوسل شدن به درگاه خدا

۹۳)

الف) مجنون مانند مار حلقه زده به سرعت از جا بلند شد و به حلقه خانه خدا (کعبه) متوسل شد.

ب) خدایا، همه به من می گویند از عشق و عاشقی دوری کن اما این رسم دوستی و محبت نیست [که من معشوق را ترک کنم].

پ) [خدایا] تمام وجودم از عشق پرورش یافته است و خدا کند جز عشق چیز دیگری در سرنوشت من نباشد.

ت) مرا در عشق به نهایت و درجه ای برسان که لیلی (معشوق و عشق من) زنده و ماندگار بماند، اگرچه من زنده نباشم.

ث) پدر که به سخن مجنون گوش می داد، وقتی که این داستان (راز و نیاز عاشقانه او و داستان عشقش) را شنید، دیگر سخنی نگفت.

ج) خداوند هر چه از عمر من (مجنون عاشق) باقی مانده، بگیر و به عمر لیلی (معشوق) اضافه کن.

چ) بگو، خدایا کمک کن که از این کار بیهوده (عاشقی) رها شوم و مرا به سوی رستگاری و نجات، توفیق و توانایی بده.

ح) وقتی که زمان حج فرا رسید، پدر مجنون برخاست و شتری آماده کرد و کجاوه ای بر روی آن نهاد.

خ) پدر به مجنون گفت: ای فرزندم، خانه خدا جای بازی و سرگرمی نیست، عجله کن که اینجا جای چاره اندیشی و درمان درد است.

د) مجنون هر روز در عاشقی مشهورتر و در عشق کامل تر می شد.

۹۴)

الف) بخت و اقبال به او توجهی نداشت و از او دور شده بود و پدرش سخت در کار او درمانده شده بود.

ب) [پدر مجنون] فهمید که او گرفتار عشق است و دردی دارد که درمان ناپذیر است.

پ) فلان پیر از کوه لکام به تو سلام رساند.

ت) کار بزرگی نیست. مرد باید در میان بازار مشغول باشد با این حال یک لحظه از خداوند بزرگ، غافل نشود.

۹۵)

الف) مفهوم مقابل آن صحیح است.

ب) مفهوم مقابل این بیت صحیح نیست چرا که در این بیت آمده «درد عشق، درمان ندارد».

۹۶)

الف) مجنون در عاشقی روز به روز مشهورتر شد. نامش بر سر زبان ها افتاد (نام او در عاشقی شهره شد).

ب) در آن حال عشق به سرعت می آمد.

۹۷

الف وفاداری

۹۸

الف عشق باشتاب می آمد.

ب من کمین کردم (در پی فرصت بودم).

۹۹ متوسل شدن

۱۰۰ «عشقِ مجنون» و «زیبایی لیلی»

۱۰۱ در میان مردم بودن و غافل نشدن از یاد خدا

۱۰۲ مثنوی

۱۰۳ داستان لیلی و مجنون در قالب مثنوی است. این داستان سروده نظامی گنجوی شاعر قرن ششم است.

۱۰۴

الف حکیم نظامی گنجه‌ای

ب عطار

۱۰۵

الف محمدعلی بهمنی

ب بیدل دهلوی

پ نعمت‌الله ولی

۱۰۶

الف نادرست

۱۰۷

الف قصر، کاخ

۱۰۸ رغبت: میل و اراده، خواست

منزلت: درجه، مقام، رتبه

حضرت: بارگاه، محلّ حضور، آستانه، پیشگاه

مذلت: خواری، فرومایگی، پستی

۱۰۹ الف طوع: فرمان برداری، اطاعت، فرمانبری / اکراه: کسی را به زور به کاری واداشتن، ناخواست، ناپسند داشتن

ب دواسبه: باعجله، شتابان

۱۱۰ الف غنا: بی نیازی، توانگری (غنا: سرود، نغمه، آواز خوش)

ب ابلیس: شیطان / تلبیس: نیرنگ سازی و دروغ / طواف: گرد چیزی گشتن و چرخیدن

۱۱۱ الف کوشک: قصر، هر بنای رفیع

ب قالب: شکل، جسم، تن

ج ملکوت: عالم غیب، جهان بالا / استحقاق: سزاواری، شایستگی

۱۱۲ الف الوهیت: خدایی، خداوندی / حکمت: علم و دانایی / ربوبیت: الوهیت و خدایی، پروردگاری

ب تعالی: بلندمرتبه گردیدن / اصناف: جمع صنف، انواع، گونه‌ها، گروه‌ها / وسایط: جمع واسطه یا وسیطه؛ آنچه که به مدد یا از طریق آن به مقصود برسند.

۱۱۳ مُشتبه: اشتباه کننده، دچار اشتباه، (مشتبه شدن: به اشتباه افتادن)

ب ازل: زمان بی آغاز، متضاد ابد

ج اختصاص: برگزیدن، تفضیل و ویژگی / تعبیه کردن: جاسازی کردن، قرار دادن، نهادن

۱۱۴ الف ذلیل: زبون، خوار / اعزاز: گرامی داشتن، بزرگداشت.

ب عزّت: ارجمندی / ذوالجلالی: شکوهمندی، بزرگواری و جلال

ج نفایس: جمع نفیسه: چیزهای گرانبها و نفیس / دفین: مدفون، زیر خاک رفته

۱۱۵ الف دیده‌ها: چشم‌ها

ب دی: دیروز، روز گذشته / دد: جانور درنده و وحشی، متضاد دام / ملول: آزرده، رنجور

۱۱۶ الف) سست عناصر: جمع سُست عنصر، بی‌اراده، بی‌غیرت، کاهل / دستان: لقب زال، حيله، نغمه
ب) طین: گل

۱۱۷ الف) نشتر: نیشتر، فلزی نوک تیز (چاقوی جراحی)
ب) حسن: خوبی، نیکویی، جمال / مشعشع: تابان، درخشان

۱۱۸ الف) تحصیل: حاصل کردن، به دست آوردن / فضل: برتری، معرفت و کمال / رغبت: میل، اراده، خواست / منزلت: جاه، مرتبه، درجه
ب) بُعد: دوری، متضاد قرب / اختیار کردم: برگزیدم

۱۱۹ الف) قهر: خشم، غضب، چیره شدن، غلبه
ب) جَلّت: بزرگ است / تصرف: دست به کاری زدن، تغییر دادن چیزی به میل خود

۱۲۰ اطاعت و میل، فرمان بردن

۱۲۱ الف) قصر، کاخ

۱۲۲ الف) اطاعت و میل، فرمان بردن

۱۲۳ الف) یک مشت از هر چیز

۱۲۴ الف) مقام: منزلت، رتبه، پایه

ب) مذلت: فرومایگی، خواری / کبریایی: منسوب به کبریا، خداوند تعالی

پ) ید: دست، مجازاً توانایی

ت) خزانه: گنجینه

ث) موضع: محل، جای، جایگاه

ج) ازل: زمان بی‌آغاز، همیشگی / ابد: زمان بی‌پایان، جاویدان

۱۲۵ الف) مقرب

ب) واسطه یا وسیطه

پ) تصرف

۱۲۶ الف) حضرت: آستانه، پیشگاه، درگاه

ب) قرب: نزدیکی

پ) بُعد: دوری، فاصله

ت) خزاین: جمعِ خزانه؛ گنجینه‌ها

۱۲۷ الف) اطاعت

۱۲۸ گزینه (ج)

مهمل: محمل - غربت: قربت - نحب: نهیب

۱۲۹ دو نادرستی املائی دیده می‌شود، «حیا ابدی» و «غالب آدم» نادرست و «حیات ابدی» و «قالب آدم» صحیح هستند.

۱۳۰

ا	ء	آ	أ	ؤ	ئ
اسب، اشاره، الفت	ماء، سوء، املاء	آجل، آتی، قرآن، مرآت، لآکی	تأمل، تأثیر، منشأ، خلأ	مؤاخذه، سؤال، تلألؤ	قرائت، سائل، رثوف، تتأثر

۱۳۱ در متن بالا تنها یک غلط املائی وجود دارد.

مأمور (امر شده) ← معمور (آباد)

عمارت دل را معمور کرد ← بنای دل را آباد ساخت.

۱۳۲ شکل درست واژه‌های املائی:

عزل ← ازل (زمان بی‌آغاز)

اصرار ← اسرار

سعب ← صعب (دشوار)

۱۳۳ شکل درست واژه‌های املائی:

حیاط ← حیات (زندگی)

تواف ← طواف (چرخیدن)

رقبت ← رغبت (میل)

۱۳۴ شکل درست واژه‌های املائی:

معمور ← مأمور (معمور: آباد)

غرب ← قرب (نزدیکی)

مستهق ← مستحق (شایسته)

غالب ← قالب

۱۳۵

الف رغبتی

ب تمنا

پ مذلت

ت قالب

ث ناگزیر

ج التفات

چ طین

۱۳۶

الف اثاث ← اساس / اثاث: وسایل / اساس: پایه، بنیاد

ب سبا ← صبا / صبا: باد خنکی که از شمال شرقی می‌وزد. / سبا: نام سرزمین

پ خویش ← خیش / خیش: گاواهن / خویش: خود

ت ثواب ← صواب / صواب: درست، کار درست / ثواب: پاداش

۱۳۷

الف «غربت» نادرست و «قربت» صحیح است.

ب «غبضه» نادرست و «قبضه» صحیح است.

پ «خاری» نادرست و «خواری» صحیح است.

۱۳۸ عرظه ← عرضه / استهقاق ← خزانگی / لایق / می‌گزشتند ← می‌گذشتند

۱۳۹ لآکی ← میانی

سوء ← پایانی

استدلال ← آغازی

تأمل ← میانی

مبدأ ← پایانی

فؤاد ← میانی

هیئت ← میانی

۱۴۰ مرآت ← میانی

منشأ ← پایانی

الفت ← آغازی

مؤانست ← میانی

متلألئ ← میانی ، پایانی

جزء ← پایانی

۱۴۱ استخراج ← آغازی

پانته آ ← پایانی

ملجأ ← پایانی

تلألؤ ← میانی ، پایانی

پروتئین ← میانی

شیء ← پایانی

۱۴۲ ماء ← همزه پایانی

رأفت ← میانی

رؤسا ← میانی

سائل (گدا) ← میانی

لؤلؤ ← میانی ، پایانی

أخذ ← آغازی

۱۴۳ شکل مفرد واژه‌های سوال به ترتیب:

مَلَك - اسم - نفیسه - لطف - صنف - وسیطه یا واسطه - عبد - عنصر

۱۴۴ جمع مکسر واژه‌های سوال

آفات - نقوش - عجایب - خزاین - اسرار - انجم - ظواهر - صنایع

۱۴۵

الف خالق

ب ملالت

پ عزت

ت لطف

۱۴۶

الف حرف پیوند وابسته‌ساز: گر

جمله وابسته یا پیرو: من نظری به سنگ بر، بگمارم

جمله هسته یا پایه: از سنگ، دلی سوخته بیرون آرم

ب جمله هسته یا پایه: آن چه بود

حرف پیوند وابسته‌ساز: که

جمله وابسته یا پیرو: اوّل می گریختی

جمله هسته یا پایه: این چیست

حرف پیوند وابسته‌ساز: که

جمله وابسته یا پیرو: امروز در می‌آویزی؟

۱۴۷ گزینۀ «۴»؛ نقش دستوری واژه «قطره» با دیگر گزینه‌ها متفاوت است. «قطره» در اینجا «نهاد» است، در حالی که کلمات مشخص شده در دیگر گزینه‌ها همگی «مفعول» هستند.

۱۴۸

- ۱ - اگر ما را آفتی رسد از این شخص، از این موضع تواند بود.
پیوند وابسته‌ساز جمله وابسته جمله هسته
- ۲ - اگر حق تعالی را با این قالب، سروکاری خواهد بود، در این موضع تواند بود.
پیوند وابسته‌ساز جمله وابسته جمله هسته
- ۳ - ابلیس چون در دل آدم بار ندادند، مردود همه جهان گشت.
جمله وابسته پیوند وابسته‌ساز جمله وابسته جمله هسته

۱۴۹ مأمور

لؤلؤ

۱۵۰ الف. جبرئیل

ب. تألیف

پ. تلألؤ

ت. اراده

۱۵۱ الف. آفتاب حسن

ب. خداوند

۱۵۲ * نپذیرفتن: تن در ندادن

* متوسل شدن: در دامن آویختن

* شتاب داشتن: دو اسبه آمدن

۱۵۳ اضافه تشبیهی

۱۵۴ «رگ روح» اضافه استعاری است. نویسنده روح را به انسانی (یا موجودی) مانند کرده است که رگ دارد.

الف) اضافه تشبیهی: گنج معرفت: گنج مشبیه
مشبیه

ب) اضافه تشبیهی: شبنم عشق: عشق مشبیه
مشبیه

۱۵۶ لاله

۱۵۷

الف) خانه استعاره از تن انسان (جسم انسان)

ب) شیر خدا استعاره از حضرت علی (ع)

پ) رگ روح: اضافه استعاری

ت) گوهر استعاره از هر چیز باارزش (عشق و محبت)

ث) آفتاب حسن استعاره از معشوق

ج) دواسبه آمدن عشق: استعاره (تشخیص)

چ) دیو و دد استعاره از انسان‌های پلید و بدذات

۱۵۸

الف) یک مشت خاک کنایه از مقداری

ب) دواسبه آمدن کنایه از سریع آمدن

پ) سر و کار نداشتن کنایه از توجه نداشتن و ارتباط نداشتن

ت) دلی سوخته بیرون آوردن کنایه از عاشق کردن

ث) در دامن آویختن کنایه از متوسل شدن و توجه زیاد

ج زیر لب سخن گفتن کنایه از آهسته و با خود سخن گفتن

چ رخ نمودن کنایه از نشان دادن صورت / لب گشودن کنایه از حرف زدن

ح تن در ندادن کنایه از راضی نشدن

۱۵۹

الف تسلیم نشدن و نپذیرفتن

ب متوسل شدن

پ شتاب داشتن

۱۶۰

الف «ابر کرم» و «باران محبت»: تشبیه («محبت و کرم»: مشبه؛ «ابر و باران»: مشبه‌به)

ب «آفتاب نظر»: تشبیه («نظر»: مشبه؛ «آفتاب»: مشبه‌به)

پ «رخ» به «باغ و گلستان» تشبیه شده است.

۱۶۱ گزینه ۲: ترکیب «رگ روح» استعاره است؛ «روح به موجودی تشبیه شده که رگ دارد».

۱۶۲ ید قدرت، رگ روح، در دل

۱۶۳ ب

مضمون مشترک آیه قرآن و بیت «ب»، پنهان بودن در عین آشکاری است.

مفهوم بیت الف: خداوند متعال بر همه امور اعم از ظاهر و باطن، آگاه و مطلع است. او امیدها را به یقین تبدیل می‌کند.

۱۶۴ تضاد: دیو و دد با انسان متضاد هستند.

تلمیح: بیت سؤال به داستان شخصی به نام «دیوجانس» اشاره می‌کند. نقل شده است او را دیدند که در روز با فانوس روشن می‌چرخید. هنگامی که علت را از او پرسیدند گفت: در جستجوی انسان حقیقی هستم.

۱۶۵ جسم انسان، انسان، آفرینش انسان

۱۶۶

الف اشاره به قدرت و درایت «حضرت علی (ع)» و پهلوانی «رستم»: تلمیح

ب اشاره به آیه ۱۴ سورة الرحمن: «خداي رحمان انسان را از گلي خشکیده که همچون سفال بود، آفرید»: تلمیح

۱۶۷ دیده‌ها «دوم»: (۱- چشم‌ها ۲- پدیده‌ها): ایهام

(دیده‌ها: چشم‌ها / دیده‌ها: پدیده‌ها): جناس همسان

۱۶۸ الف جناس ناهمسان: دل و گل

ب اضافه تشبیهی: ابر کرم (کرم به ابر تشبیه شده است)، باران محبت (محبت به باران تشبیه شده است)

ج گل (اول) و دل

۱۶۹ * تشبیه: ابر کرم (کرم: مشبه، ابر: مشبه‌به)، باران محبت (محبت: مشبه، باران: مشبه‌به)

* جناس ناهمسان (ناقص اختلافی): دل و گل

* مراعات نظیر: ابر، باران، خاک، گل، بارید

* تلمیح: اشاره به آیه ۷ سورة سجده: بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ (او آفرینش انسان را از گل آغاز کرد)

* سجع: گل (اول) و دل

* تکرار: واژه «گل»

* واج آرایی: تکرار صامت‌های «ل» و «د»

۱۷۰ کنایه از «ابر بیرون آمدن» کنایه از آشکار شدن و جلوه‌گری کردن

استعاره: آفتاب حسن استعاره از محبوب و معشوق

مراعات نظیر: آفتاب، مشعشع، تابان

۱۷۱ تشبیه: رخ به باغ و گلستان

لب به قند

استعاره: قند استعاره از سخنان شیرین و ارزشمند

مراعات نظیر: باغ و گلستان / رخ و لب

۱۷۲) اضافه‌های تشبیهی: گوهر محبت ← محبت به گوهر مانند شده است.

صدف امانت ← امانت به صدف مانند شده است.

تلمیح به آیه ۷۲ سوره احزاب: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.

۱۷۳) مصراع دوم به آیه ۷۶ سوره «ص» تلمیح دارد: قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

ب) در بیت یک استعاره وجود دارد: دیو استعاره از ابلیس

ج) تضاد: دیو و آدم

۱۷۴) الف) خداوند در کتاب آسمانی خود، قرآن کریم می‌فرماید: ما همه اسماء الهی و نام فرشتگان را به انسان آموختیم. فراگیری نام‌های فرشتگان و نام‌های

الهی از خصیصه‌های انسان است که او را از دیگر موجودات متمایز می‌سازد. این نکته در این بخش از درس آمده است: ملائکه مقرب، هیچ‌کس آدم را نمی‌شناختند.

آدم به زیر لب آهسته می‌گفت: اگر شما مرا نمی‌شناسید، من شما را می‌شناسم، باشید تا من سر از این خواب خوش بردارم، اسامی شما را یک‌به‌یک برشمارم،

ب) خداوند مقام خلیفه الهی و امانت‌گری عشق را به همه موجودات عرضه کرد؛ اما جز انسان هیچ موجودی پذیرا و سزاوار این امانت نبود.

این مفهوم در درس چنین آمده است: آن را هیچ خزانه لایق نیست، الا حضرت ما، یا دل آدم. / آن چه بود؟ گوهر محبت بود که در صدف امانت معرفت تعبیه کرده

بودند، و بر ملک و ملکوت عرضه داشته، هیچ کس استحقاق خزانگی و خزانه‌داری آن گوهر نیافته. خزانگی آن را دل آدم لایق بود،

۱۷۵) الف) خاک در کمال مذلت و خواری، با حضرت عزت و کبریایی، چندین ناز می‌کند.

ب) شما چه می‌دانید که ما را با این مثنی خاک، چه کارها از ازل تا ابد در پیش است؟ معذورید، که شما را سروکار با عشق نبوده است.

پ) با ملائکه می‌گفت: شما در گل منگرید، در دل نگرید.

۱۷۶) مضمون مشترک هر دو بیت: در جست و جوی یافتن انسان حقیقی و یافتن نشدن آن.

۱۷۷) ب

مفهوم: عنایت الهی سبب قدر و منزلت می‌شود.

۱۷۸) الف) باری تعالی در آیه «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» می‌گوید خانه آب و گل آدم من بی‌واسطه خلق می‌کنم.

مفهوم عبارت ب) ارزش و بهای وجودی انسان به دل است نه به جسم.

۱۷۹) الف) زیرا معتقد است که نزدیک شدن به خداوند آمیخته با بلا و آزمون است.

مفهوم کلی عبارت سوال: نزدیکان به خداوند بیشتر در آزمون الهی قرار می‌گیرند.

ب) تشخیص: خاک، سوگند خورد.

۱۸۰) زیرا خداوند او را به آفتاب نظر پرورده بود یا چندین هزار سال از پرتو نور احدیت پرورش یافته بود.

۱۸۱) به جای توجه به ظاهر به باطن توجه کنید.

۱۸۲) الف) عشق و محبت ب) فرشتگان ج) تمام موجودات هستی

۱۸۳) الف) وجود انسان

ب) کمال، معرفت، عشق

پ) قلب، درون

۱۸۴) الف

یک مشت خاک از روی همه زمین برداشت.

۱۸۵) دل / قلب

۱۸۶) مولوی نه در این غزل بلکه در سراسر غزلیاتش آرزومند دیدار و هم‌صحبتی با معشوق است. آنچه او را شاد و سرخوش می‌سازد رسیدن پیامی از یار یا

آمدن اوست. وی جز معشوق به چیزی نمی‌اندیشد و آرزوی یافتن چیزی جز معشوق را در سر ندارد. دنیای آرمانی شاعر، دنیای خوبی‌هاست. بدی‌ها، پلشتی‌ها،

ریاکاری، و حتی تعلقات در آن، رنگ باخته‌اند. شاعر برای رسیدن به قلّه منبع عرفان دست نیاز به‌سوی پیر طریقت و مرشد (انسان کامل) دراز می‌کند و از همراهان

بی‌همت و سست‌عنصر بیزار و گریزان است.

۱۸۷) مفهوم مشترک ابیات: هر کسی که به ظاهر آدمی است، انسان واقعی نیست.

۱۸۸) ای یار چهره زیبایت را نشانم بده که آرزوی دیدار چهره زیبای چون باغ و گلستان تو را دارم. لب بگشا و سخن بگو زیرا شنیدن سخنان شیرین آرزوی

من است.

۱۸۹) ای یار زیبایم! ای آفتاب زیبایی! لحظه‌ای از ابر بیرون بیا و خودت را نشان بده زیرا آرزومند دیدن چهره درخشان و نورانی‌ات هستم.

۱۹۰) با ناز گفتمی که مرا بیش از این آزرده‌خاطر نکن و برو. همان شیوه سخن گفتنت که گفتمی «بیش از این آزارم نده» را دوست دارم.

۱۹۱) از یاران سست‌اراده و کاهل ناراحت هستم، آرزومند داشتن یارانی چون امام علی (ع) و رستم، فرزند زال هستم.

۱۹۲ دیروز شیخ با چراغی دور شهر می‌چرخید و می‌گفت: از انسان‌های دیو صفت و درنده‌خو آزرده‌خاطر و آرزومند انسان حقیقی هستم.

۱۹۳ معنی بیت: گفتند بسیار جستجو کرده‌ایم و او پیدا نمی‌شود. گفت آن انسان حقیقی را که یافت نمی‌شود، می‌خواهم.

۱۹۴ همه چشم‌ها و بینش‌ها از باری تعالی است ولی او از دیده‌ها غایب و پنهان است. من آرزومند کسی هستم که در عین آشکار بودن، پنهان است.

۱۹۵ اگر من (خداوند متعال) نگاه و عنایتی به سنگ کنم، از آن دلی سوخته می‌سازم و بیرون می‌آورم.

۱۹۶ در روز آفرینش انسان، رگ روح را با چاقوی عشق بریدند و نام قطره‌ای که از آن چکید را دل گذاشتند.

۱۹۷ مفهوم کلی عبارت سؤال: قابلیت دل برای تقرب و نزدیک شدن به خداوند متعال.

۱۹۸ ب

معنی بیت: عشق را چون چاقویی بر کالبد روح و تن انسان زدند و از برخورد عشق با روح انسان، دل آفریده شده است.

۱۹۹ ب

مفهوم عبارت الف) پافشاری عاشق و توسل جستن او به معشوق

۲۰۰ مفهوم: خلقت انسان از گل و آمیختن آن با عشق الهی

۲۰۱ وجود انسان با عشق آمیخته و عجین است.

۲۰۲ هنگامی که به شیطان اجازه ورود به دل آدم را ندادند از بین همه مخلوقات جهان رانده شد.

۲۰۳ عزرائیل آمد و از روی خشم، یک مشت خاک از روی زمین برداشت.

۲۰۴ خداوند فرمود: صبر کنید تا من در این مشت خاک قدرت‌نمایی کنم تا جلوه‌های گوناگون و نقش‌های رنگارنگ در آینه آفرینش انسان را ببینید.

۲۰۵ وقتی خداوند بلند مرتبه انواع (گروه‌ها) موجودات را می‌آفرید در ساختن هر چیز از واسطه و وسیله‌ای استفاده کرد. در انسان گنجینه شناخت (روح الهی) قرار داد.

۲۰۶ الطافت الهی به باطن و قلب فرشتگان چنین ندا می‌داد که «عذر شما پذیرفته است زیرا ارتباط شما با عشق نبوده است.» (شما عشق را درک نمی‌کنید)

۲۰۷ یک مشت خاک از روی همه زمین برداشت.

۲۰۸ بار نیافتن در دل انسان

۲۰۹ تلفیق و ترکیب روح با عشق

۲۱۰ رباعی

۲۱۱ قلب، باطن

۲۱۲

الف) با غلبه و زور یک مشت خاک از روی کل زمین برداشت

۲۱۳

الف) وقتی خدای بلند مرتبه انواع (گروه‌های) موجودات را می‌آفرید در ساختن هر چیز از واسطه و وسیله‌ای استفاده کرد و در انسان گنجینه شناخت (روح الهی) قرار داد.

۲۱۴

الف) وقتی خداوند انواع موجودات را می‌آفرید در هر جایگاه از واسطه و وسیله‌ای استفاده کرد.

۲۱۵

الف) جسم انسان، قالب انسان که از گل ساخته شده بود.

ب) جلوه‌های گوناگون یا رنگارنگ

۲۱۶

الف) عذر شما موجه است؛ زیرا شما عاشق نبوده‌اید.

۲۱۷

الف) یک مشت خاک از روی همه زمین برداشت.

۲۱۸

الف) خداوند گفت: «جسم انسان را بدون واسطه خلق می‌کنم، و در درون آن گنج شناخت قرار خواهم داد.

۲۱۹

الف) زیرا خداوند او را به آفتاب نظر پرورده بود یا چندین هزار سال از پرتو نور احدیت پرورش یافته بود.

الف)

ب) عشق و محبت

۲۲۰

الف

انسان یا آدم

ب

منظور «آفرینش انسان» است.

پ

جلوه‌های گوناگون و نقش‌های رنگارنگ

ت

جسم انسان، قالب انسان که از گل ساخته شده بود.

ث

آفرینش انسان، وجود انسان

۲۲۱

الف

در این حال کار عشق برعکس می‌شود تا قبل خلقت انسان این معشوق ازلی بود که به دنبال خلق کردن انسان (عاشق) بود؛ حال اگر معشوق بخواهد که از دست عاشق بگیرد، انسان نمی‌گذارد و به دنبال معشوق است.

ب

ای انسان، این چه حالتی است که آن روز شانه خالی می‌کردی و می‌گریختی اما امروز به دنبال قرب و وصال هستی؟

پ

[انسان می‌گوید:] آن روز گلی بی‌ارزش بودم و طاقت قرب نداشتم اما الان سرشار از عشق شدم و به دنبال محبوب هستم.

ت

خداوند فرمود: جسم انسان را خودم بی‌واسطه می‌سازم و در آن عشق و محبت (گنج شناخت) را قرار خواهم داد.

ث

در هر ذره از آن کالبد گلی، دلی جای داد. (عشق را در تمام وجود انسان قرار داد).

ج

ابلیس گفت: هر چه دیدم ساده بود، راه یافتن به دل کار مشکل و دشواری است.

۲۲۲

الف

دلتنگی از انسان‌های سست روزگار / آرزوی دیدار

ب

آشکار و پنهان بودن معشوق / تجلی پنهان در پیدا

۲۲۳

الف

این را بدون واسطه و خودم به‌تنهایی می‌سازم، زیرا در او گنج معرفت و شناخت را قرار می‌دهم.

ب

تو را به حضور خداوند می‌برم تا از تو جانشینی بیافریند.

پ

خاک سوگند خورد که به سربلندی و بزرگواری خداوند تو را قسم می‌دهم مرا تَبَر، زیرا من توان نزدیکی به خداوند را ندارم.

ت

خداوند تو داناتری، خاک نمی‌پذیرد.

ث

اگر از روی اطاعت و با اشتیاق نیامد، به زور و اجبار بگیر و بیاور.

ج

آن زمان، عشق با شتاب می‌آمد.

چ

این چه رازی است که خاک بی‌ارزش را با چنین گرامیداشتی به درگاه خداوند دعوت می‌کنند و خاک که در نهایت بی‌ارزشی است برای خداوند با عظمت، این همه ناز می‌کند و باز هم خداوند بی‌نیاز چیز دیگری را به جای او دعوت نکرد و این راز را به کس دیگری نگفت.

ح

و آن را با نظر لطف خود پرورش می‌داد و به فرشتگان می‌گفت که شما به گل (جسم انسان) توجه نکنید و به دل او توجه کنید.

خ

با آب زندگی جاوید مخلوط کردند و با توجه ویژه پرورش دادند.

د

هیچ کس شایسته نگه داشتن گوهر عشق نبود، تنها دل انسان شایسته نگه داشتن آن بود.

ذ

نمی‌دانستند که این چه مجموعه است تا شیطان پُرفریب، یک بار دور آدم می‌چرخید.

ر

هنگامی که شیطان به دور جسم آدم چرخید، هر چیزی را که دید، آن را شناخت؛ اما وقتی به دل رسید، دل را مانند کاخی دید.

۲۲۴

الف

قربت یا نزدیکی به حق

ب

بعد (دوری)

۲۲۵

الف

(ابلیس) هنگامی که بر دل انسان رسید آن را همچون کاخی (باعظمت) یافت.

۲۲۶

الف

خلقت یا کالبد اولیه آدم

ب

لیاقت، توانایی و استعداد

۲۲۷

جسم انسان

۲۲۸ شاعر در این سه بیت، آرزوی دیدار یار را در سر می‌پروراند و حتی ناز و عتاب معشوق را شیرین و مطلوب می‌داند.

۲۲۹ الف. نماد انسان کامل

ب. سست عناصر: کنایه از بی‌خیال و بی‌همت / دلم گرفت: کنایه از غمگین شدن

۲۳۰ مرصاد العباد

۲۳۱ ب

بیت سؤال سرودهٔ حسین منزوی از شاعران توانمند معاصر است.

۲۳۲

الف نجم‌الدین رازی (معروف به دایه)

ب جلال‌الدین محمد مولوی

۲۳۳

الف حافظ

ب سعدی

پ حسین منزوی

ت خواجوی کرمانی

ث مولوی

۲۳۴ گزینه (ج) شیر خدا و رستم دستانم آرزوست.

۲۳۵

الف

بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست

ب

کان چهرهٔ مُشَقَّعِ تابانم آرزوست

ای آفتابِ حُسن، برون آ دمی ز ابر

پ

آن گفتنت که «بیش مرنجانم» آرزوست

گفتی ز ناز «بیش مرنجان مرا، برو»

ت

شیر خدا و رستم دستانم آرزوست

زین هم‌رهانِ سست‌عناصر دلم گرفت

ث

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

دی شیخ با چراغِ همی گشتِ گردِ شهر

ج

گفت: «آنکه یافت می‌نشود آنم آرزوست»

گفتند یافت می‌نشود، جسته‌ایم ما

۲۳۶

الف ای آفتابِ حُسن برون آ، دمی ز ابر

ب گفت: «آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست»

پ آن آشکارِ صنعتِ پنهانم آرزوست

۲۳۷

الف

کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

دی شیخ با چراغِ همی گشتِ گردِ شهر

۲۳۸

آن آشکارِ صنعتِ پنهانم آرزوست

پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست

